هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکنند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان



در این شکی نیست که دشمنان امنیت و ثبات کشور به دنبال بهانه جویی هستند و می خواهند کشورما باز شاهد صحنه های جنگ و بدبختی باشد.

از سخنان رهبر شهید

در همایش بزرگداشت از سال نو ۱۳۸۵هجری خورشیدی، در پنجشیر

دور ششم –سال چهاردهم – شمارهٔ نزدهم ۱۷ اسد ۱۳۹۴ ۲۷ شوال المکرم ۱۴۳۶ 8 August 2015



نشست مشورتی
شورای رهبری و اجرائیهٔ جمعیت اسلامی افغانستان

در نشست مشورتی مشترک شورای رهبری و شورای اجرائیهٔ جمعیت اسلامی افغانستان که شام دوشنبهٔ هفتهٔ گذشته (۱۲ اسد ۱۳۹۴) در منزل رهبر شهید، تحت نظر صلاح الدین ربانی رئیس جمعیت اسلامی افغانستان، محترم استاد عطا محمد نور رئیس اجرائیه و محترم احمد ضیاء مسعود معاون جمعیت اسلامی افغانستان برگزار گردیده بود، روی اوضاع امنیتی و سیاسی کشور، تحولات منطقه ای، رسیدگی به مشکلات و نگرانی های مردم و همچنین برخی مسایل درون حزبی بحث و تبادل نظر صورت گرفت. هیئت رهبری و اعضای شورای رهبری و اجرایی دیدگاه ها و نظریات شان را بیان داشتند.

همچنان در این نشست، به زیر مجموعه های جمعیت هدایت داده شد تا برای کارزارهای انتخابات آیندهٔ مجلس نماینده گان و شوراهای ولسوالی ها پیش بین بوده و آمادگی های لازم در زمینه داشته باشند. از سویی هم تأکید شد تا دفاتر جمعیت اسلامی افغانستان در ولایات، بیشتر از پیش فعال گردد.

استاد عطامحمد نور:

نفوذ و تاثیر پاکستان بر طالبان ثابت شده است

استاد عطا محمد نور، رئیس اجرائیهٔ جمعیت اسلامی افغانستان و سرپرست ولایت بلخ دوشنبهٔ هفتهٔ گذشته در مصاحبه با آژانس خبر رسانی اسوشیتد پرس در مورد وضعیت جاری در افغانستان، اوضاع شمال، عوامل نا امنی، چالش های محلی، منطقوی و بین المللی و همچنان عناصر شکل دهندهٔ نا امنی ها ابراز نظر نمود. وی در مورد مرگ سر دستهٔ گروه طالبان نیز اشاراتی داشت و از حکومت افغانستان خواست که هرچه زودتر دست به کار شده، از وضعیت موجود به نفع کشور و مردم افغانستان استفاده نماید. استاد نور گفته است: " اکنون مناسب ترین وقت برای کابل است تا پروسهٔ صلح را درکنترول خود در آورد."

به گفتهٔ آقای نور، هرچند ملا محمد عمر پس از مداخلهٔ ایتلاف به رهبری امریکا در سال ۲۰۰۱ در محضر عام دیده نشده بود ولی باز هم از نفوذ معنوی وسیع میان جناح های مختلف طالبان برخوردار بود. به باور سرپرست ولایت بلخ، مرگ ملا عمر از یک سو پروسهٔ صلح و آشتی را سرعت می بخشد، ولی طالبان به چند گروه تقسیم خواهند شد و به صورت یک نهاد با هم کار نخواهند کرد. لذا آوردن گروه های مختلف آنها به دور میز مذاکرات کار دشواری خواهد بود.

استاد عطا محمد نور در مورد نفوذ حکومت پاکستان بالای طالبان، گفته است که حکومت پاکستان که بر طالبان نفوذ دارد و نخستین دور گفتگو های مستقیم میان آنها و حکومت افغانستان را ماه گذشته میزبانی کرد، کلید پروسهٔ صلح را در دست دارد. "مقامات پاکستانی می توانند که طالبان را به دور میز مذاکرات بیاورند. نفوذ و تاثیر آنها بر طالبان بدون شک ثابت شده است."

صلاح الدین ربانی در مصاحبه با روزنامهٔ شرق:

ظهور داعش، یک معضل منطقه‌ای است و نیاز به راه‌حل منطقه‌ای دارد

ص ۳

اختلاف در صف طالبان و مذاکرات صلح

وحید مژده



از اعلام خبر فوت ملامحمد رهبر طالبان، سروصداهای زیادی از نارضایتی در صف آنان بگوش می رسد. در آخرین تحول از این دست، سید طیب آغا رئیس کمیسیون سیاسی طالبان از سمت خود استعفا داد. استعفای وی سوالات زیادی را در مورد فعالیت های سیاسی طالبان بخصوص در مورد صلح بمیان آورده است.

طالبان تا قبل از سال ۲۰۱۰ در عرصهٔ سیاسی فعالیت چشمگیری نداشتند اما بعد از اینکه ملابرادر در کراچی دستگیر شد و به زندان افتاد، ملا اختر محمد منصور جانشین وی گردید که از آن به بعد طالبان توانستند خود را از تجرید در سطح بین المللی نجات دهند و با جامعهٔ جهانی رابطه برقرار نمایند.

تا سال ۲۰۰۹ طالبان هرگونه رابطه و تماس به منظور دریافت راه حل برای معضل افغانستان از راه مذاکره را بر نمی تابیدند و به این باور بودند که حتی فکر کردن در مورد صلح موجب تضعیف جنگجویان آنان در جنگ خواهد شد و بنا براین هرگونه مذاکره با دشمن را بدعتی کفر آمیز بشمار می آوردند.

ص۲

تسلیت

باز دشمنان کشور و مردم افغانستان با انفجار و انتحار حادثه آفریدند، حوادث اخیر در ولایت لوگر و منطقهٔ شاه شهید کابل سخت تکان دهنده بود که علاوه بر خسارات مالی، تعدادی از شهروندان کشور جان های شیرین شان را از دست دادند و تعدادی هم جراحت برداشتند.

جمعیت اسلامی افغانستان تأثر عمیق خویش را نسبت به این دو رویداد و همچنان حادثهٔ سقوط چرخبال اردوی ملی در منطقهٔ شوخی ولسوالی شینکی ولایت زابل که در اثر آن نیز شماری از منسوبین اردوی ملی به شهادت رسیدند، مراتب تسلیت و همدردی خویش را به خانواده های شهداء ابراز داشته، برای شهداء از بارگاه ایزد متعال جنت فردوس و برای زخمی ها شفای عاجل مسئلت می نماید.

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیئت تحریر
آدرس: کوچۀ اول سرک لیسۀ نادریه – عقب تلویزیون نور.
شمارۀ تلفن:۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵/ ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo&hotmail.com

سرمقاله

آیا ارادۀ برای صلح وجود دارد؟!

اولین نشست هیئت دولت افغانستان و گروه طالبان جهت آوردن صلح و ثبات، مردم خسته و صدمه دیده از جنگ را تازه به آیندۀ زیر چتر صلح و آرامش باورمند می ساخت و نوید از آیندۀ خوب می داد. همه در انتظار نشست دور دوم مذاکره در ارتباط صلح بودند که خبر درگذشت سر دستۀ گروه طالبان پخش شد و تعویق این امید و آرزوهای گمشدۀ مردم افغانستان –صلح– اعلام شد. در پی افشای این مرگ –پس از دوسال و چهارماه– درست زمانی که دو روز به دور دوم نشست صلح باقی مانده بود، حتمن رمز و رازهایی در نهان دارد که یکی آن توقف روند مذاکرات صلح بود!

بعد از آنکه ملا اختر منصور جانشین ملا محمد عمر اعلام شد، در نوار صوتی پخش شده منسوب به وی، طالبان را به وحدت و یکپارچگی دعوت نمود، تا به جهاد شان ادامه دهند و مذاکرات صلح را تبلیغات دشمنان خوانده است. این اظهارات رهبر جدید طالبان، واکنش هایی را بدنبال داشت.

آنچه مایۀ نگرانی شهروندان کشور شده بود، برخی نهادها و شماری افراد در کابل پایتخت و برخی ولایات کشور، برای کسی مجاهد خطاب کردند، گلیم تعزیت داری و فاتحه خوانی پهن کردند و پیام های تسلیت نوشتند که نزدیک به بیست سال می شود بساط اندوه را در اکثر نقاط افغانستان پهن و شهروندان این کشور را به سوگ نشانده است. چنین حمایت های آشکارا در ساحۀ حاکمیت دولت، به مراتب کوبنده تر از جنگ های جبهه یی، انفجار و انتحار می باشد. هرگونه بی توجهی و گذشت سرسری در این رابطه، بی اعتنایی در برابر مردم درد دیده و نیروهای دفاعی و امنیتی کشور خواهد بود که همه روزه قربانی می دهند.

جمعیت اسلامی افغانستان طرفدار ختم جنگ و آمدن صلحی با عدالت و پایدار در کشور است. زیرا بیش از همه، در راه صلح و عدالت طلبی قربانی داده است. دولت افغانستان، کشورها و نهادهای صلح خواه در این امر خیر که خداوند جل جلاله (والصلح خیر) خوانده، تلاش نمایند تا پروسۀ صلح ادامه یابد و به نتیجه برسد. اما در صورتی که طرف مقابل و یا هم کشورها و حلقاتی، هدف شان صلح نه، بلکه با زمزمه های صلح، بخاطر رسیدن به اهداف شان در پی وقت کشی باشند، دولت افغانستان با هشیاری و دقت کامل در پی چاره شود تا بیش از این کشور و مردم ما صدمه نبینند. دیگر عنوان های «مخالفان سیاسی»و «گروه های مسلح مخالف دولت»معنی دار نیست! با چند دسته گی و نفاق میان طالبان، که این‌بار با مرگ سوال برانگیز ملاعمر مضاعف گردیده، باید از فضای به وجود آمده، دولت استفادۀ بهینه نماید.



درج پیام تعزیت بمناسبت وفات رئیس جمهور اسبق هندوستان

محترم صلاح الدین ربانی رئیس جمعیت اسلامی افغانستان و وزیر امور خارجۀ کشور، بعد از ظهر ۱۰ اسد ۱۳۹۴، به سفارت هند مقیم کابل رفته و پیام تعزیت خویش را به مناسبت وفات مرحوم داکتر ای پی جی عبدالکلام رئیس جمهور اسبق آن کشور، در کتاب تعذیتی که به این مناسبت در آن سفارت گشوده شده بود، درج نمود.

آقای ربانی ضمن ابراز تسلیت و همدردی با مقامات سفارت هند مقیم کابل، مرحوم عبدالکلام را یک دانشمند برجسته و شخصیت تأثیرگذار تاریخ معاصر دانسته، خدمات موصوف را نه تنها به مردم کشورش، بلکه به دنیای علم و تکنالوژی فراموش نا شدنی خواند.

عبدالکلام رئیس جمهور سابق هند، مشهور به «مرد موشکی » بتاریخ ۶ اسد ۱۳۹۴ خورشیدی بعمر ۸۳ سالگی حین سخنرانی در موسسۀ مدیریت این کشور، بیهوش شد و بعداً در بیمارستان جان سپرد.

اختلاف در صف طالبان و ...

در این زمان جنگ جامعۀ جهانی برضد طالبان جنگ برعلیه یک مجهول بود زیرا برخلاف تمام جنگ ها در تاریخ جهان که طرفین درگیر آدرسی برای تماس در شرایط خاص با همدیگر داشتند، طالبان فقط در سنگر جنگ حضور داشتند اما مسایلی پیش آمد که نیروهای خارجی نیز نیاز به تماس با طالبان را احساس کردند و آن زمانی بود که تعدادی از اتباع خارجی بدست طالبان اسیر شدند که تبادلۀ آنان نیاز تماس مستقیم با طالبان را برجسته ساخت.

از جانب دیگر اعلام خروج نیروهای خارجی از افغانستان نیز توانست فرصتی در اختیار ملا اختر محمد منصور قرار دهد تا دیگران را به مذاکرات با خارجی ها قانع سازد و به این ترتیب دفتر قطر بمیان آمد که طیب آغا در راس آن قرار گرفت. طیب آغا در زمان قدرت طالبان برای مدتی رئیس دفتر ملا محمد عمر و از افراد مورد اعتماد رهبر طالبان بود و می توان گفت که تقرر وی به این سمت از طرف اختر محمد منصور در سال ۲۰۱۰ نیز برای دادن اطمینان خاطر به ملامحمد عمر بود که دفتر سیاسی دست به کاری خلاف رای رهبر طالبان نخواهد زد. برای گروهی که حتی در زمان زمامداری شان بر بخش اعظم از افغانستان نیز این امکان دست نداده بود تا در کنفرانس های بین المللی شرکت نمایند، این فرصت بسیار مغتنم بود. آنها با استفاده از دفتری که هیچگاه رسمیت نیافت موفق شدند تا با کشور های مختلف رابطه برقرار نموده و موضع طالبان را روشن سازند.

بعد از مطرح شدن ملا اختر محمد منصور بحیث جانشین ملامحمد عمر در اواخر هفتۀ گذشته، عده ای با وی به مخالفت برخاسته اند و اکنون که طیب آغا نیز از عضویت دفتر قطر استعفا داده است، سوال اینست که مذاکرات صلح به چه سرنوشتی مواجه خواهد شد؟ آیا می توان به آغاز مذاکرات جدی و حقیقی صلح در آیندۀ نزدیک خوشبین بود؟ یک نکتۀ امیدوار کننده در این ماجرا اینست، صدا هائی که علیه منصور بلند شده، در مخالفت با پروسۀ صلح نیست زیرا کسانی که این صدا ها را بلند کرده اند خودشان در مذاکرات صلح در ارومچی و اسلام آباد شرکت داشتند. بنابراین می توان گفت که جانب مقابل منصور نیز به اهمیت صلح از راه مذاکره بخوبی آگاه است.

طیب آغا در استعفا نامه ای که به رسانه ها ارسال نموده دلایل این استعفا را بیان کرده است. یک اعتراض وی اینست که چرا خبر مرگ رهبر طالبان از وی پنهان نگه داشته شده بود. وی می گوید که از اوایل سال ۲۰۱۳ هیچ هدایت صوتی از رهبر طالبان دریافت نشده و طرف مربوطه (منظور ملا اختر محمد منصور است) دلیل آنرا عدم موافقت رهبر طالبان به این کار عنوان می کرد و می گفت که دستور وی اینست که هر کسی باید کار خود را انجام دهد و به پیام صوتی ضرورت نیست. من هم به خاطر امنیت و احترام به ملا محمد عمر زیاد اصرار نمی کردم اما این خواست را داشتم که برای رفع تشویش ها باید یک پیغام صوتی بفرستد.

اما وی در این استعفا نامه مسایل دیگری را هم مطرح می سازد که بسیار مهم است. وی می گوید که پنهان نمودن خبر فوت رهبر طالبان از جانب افراد مربوط، یک اشتباه تاریخی بود و توافق بر سر مذاکرات از طریق پاکستان، در افشای این راز نقش مهم داشت.

مسئله ای که طیب آغا به آن اشاره می نماید مذاکراتی است که در مری صورت گرفت و در آن علی الرغم تاکیدات مکرر مبنی بر اینکه یگانه آدرس برای مذاکرات صلح دفتر قطر است، شورای رهبری طالبان با صدور یک اعلامیه از این نشست ابراز حمایت کرد. طیب آغا با توجه به شناختی که از ملامحمد عمر داشت، به این جریان مشکوک شد. لازم به تذکر است که دوسال قبل نیز شایعۀ استعفای طیب آغا بگوش رسید که بعداً رد شد. به نظر می رسد که وی از قبل نیز نوعی آشفتگی را در دستور هائی که به وی داده می شد و تقرری هائی که در دفتر قطر از طرف شورای رهبری طالبان صورت می گرفت، احساس کرده بود و با توجه به شناختی که از ملا محمد عمر داشت، این تحرکات برایش سوال ایجاد کرده بود.

اما وی به یک مسئلۀ بسیار مهم دیگر اشاره دارد که آنرا مخالفت صریح با دستورات ملا محمد عمر می داند. وی انتخاب امیر جدید در خارج از افغانستان را اشتباه تاریخی بزرگ دیگر دانسته و آنرا برای مردم افغانستان دارای عواقب ناگوار می خواند و به تجربۀ گذشته استناد می کند. در گذشته هرگونه انتخاب رهبر در خارج از کشور، برای افغانستان پیامد های ناگوار در قبال داشته است. و نتیجه می گیرد که رهبران برگزیده شده در خارج از افغانستان، هرگز رهبران موفق برای افغانستان نبوده و نخواهند بود.

(این سخن طیب آغا بی اختیار مرا بیاد سخنی از شهید استاد ربانی انداخت که از وی شنیده بودم: من تاکید داشتم که رهبری آینده در بُن تعیین نشود، ما از رهبری های تعیین شده در خارج خاطرۀ خوب نداشتیم اما دوستان نپذیرفتند شاید گمان کردند که من قصد ماندن در قدرت دارم...)

طیب آغا بعنوان رئیس دفتر سیاسی طالبان، همیشه در ملاقات های خود با دیپلومات های خارجی تاکید داشت که طالبان تحت نفوذ و سیطرۀ کدام کشور خارجی نیستند و مستقلانه تصمیم می گیرند اما اکنون که جانشین ملا محمد عمر در داخل پاکستان از مردم بیعت گرفته است، وی نخواهد توانست این جریان را توجیه نماید که چرا باید انتخاب رهبر جدید در خارج از شهر کویته صورت گرفته است.

طیب آغا در استعفا نامۀ خود موضع ضد رهبر جدید طالبان ندارد بلکه وی موقفی مطابق به خانوادۀ ملا محمدعمر اتخاذ نموده است. وی می گوید که با طالبان می ماند ولی در صف مخالف یا موافق رهبری جدید قرار نخواهد گرفت.

بهرحال به نظر می رسد مذاکراتی که تا اکنون به منظور صلح براه افتاده بود تا آیندۀ نامعلوم به تعویق خواهد افتاد. در گذشته حمایت از پروسۀ صلح با این توجیه که دستور شخص ملا محمد عمر است، از طرف جنگجویان طالب زیاد جدی گرفته نمی شد اما اکنون که ملا محمد عمر زنده نیست، هرکسی باید به مسوولیت خود در این مذاکرات شرکت نماید و با توجه به روحیۀ جنگجویان طالب، امکان دارد جناح مذاکره کننده به خیانت به طالبان متهم گردد و تجرید شود. بنا براین نمی توان به آغاز مذاکرات صلح در آیندۀ نزدیک خوشبین بود.

محترم صلاح الدین ربانی رئیس جمعیت اسلامی افغانستان و وزیر امور خارجهٔ کشور در مصاحبه با روزنامهٔ شرق:

ظهور داعش، یک معضل منطقه‌ای است و نیاز به راه‌حل منطقه‌ای دارد

نشر شده: در روزنامهٔ شرق صبح ایران، چهارشنبه ۱۴ اسد ۱۳۹۴

گروه جهان، فریبا پژوه: «صلاح‌الدین ربانی»، فرزند «برهان‌الدین ربانی»، رئیس‌جمهور پیشین افغانستان، امروز سکان‌دار وزارت خارجهٔ افغانستان است. ربانی از دانشگاه کلمبیا در ایالات متحدهٔ و در رشته روابط بین‌الملل فارغ‌التحصیل شده است. ربانی با اشاره به توافق هسته‌ای ایران با کشورهای ۱+۵ می‌گوید این توافق نه‌تنها بر افغانستان، بلکه بر مناسبات منطقه‌ای نیز تأثیرات بسیار مثبت و خوبی خواهد گذاشت. به گفتهٔ وزیر خارجهٔ افغانستان، گسترش روابط کابل – اسلام‌آباد روابط افغانستان با سایر کشورهای منطقه و هندوستان را تحت‌تأثیر قرار نمی‌دهد اما پاکستان تا امروز در مقابل گام‌های مثبتی که افغانستان برای بهبود روابط دوجانبه برداشته، کار بزرگی نکرده است.

در چند ماه گذشته دامنهٔ فعالیت داعش به شمال افغانستان رسیده و آن منطقه را نیز ناامن کرده است. نگرانی‌هایی وجود دارد که نیروهای افراط‌گرا در ازبکستان و ترکستان شرقی و تاجیکستان، به نوعی اتحاد با نیروهای فعال داعش در شمال افغانستان دست بیابند. به‌نظر شما خطر فعالیت تروریست‌ها در شمال افغانستان تا چه حد جدی است؟

بی‌شک داعش خطری بالقوه در منطقه و در بعضی نقاط افغانستان است. اعضای این گروه در شرق افغانستان و در برخی ولایات و ولسوالی‌های- شهرستان‌های- این کشور مثل ننگرهار، حضور دارند. این در حالی است که برخورد های شدید بین طالبان و کسانی که خود را داعش خطاب می‌کنند نیز در جریان است. اعضای این گروه در شمال افغانستان فعال هستند. باید پذیرفت این گروه به عنوان خطری بالقوه، در افغانستان حضور دارند. مسئلهٔ مهم این است که امروز اجماعی منطقه‌ای برای مبارزه علیه داعش در حال شکل‌گیری است. نشست سران کشورهای منطقه در حاشیهٔ نشست سازمان همکاری‌های شانگهای، نشان داد اکثر کشورهای منطقه از فعالیت داعش نگران هستند و می‌خواهند برای مقابله با این مسئله آمادگی داشته باشند و خواستار رفع این مشکل هستند.

البته سران بعضی از کشورها می‌گفتند افغانستان باید آمادگی مقابله با نیروهای داعش را داشته باشد اما باید توجه داشت ملیت اکثر اعضای این گروه که بخشی از آنها پس از عملیات‌های نظامی در شمال پاکستان به جنوب افغانستان وارد شده‌اند، مربوط به کشورهای آسیای میانه است. بخش اعظم اعضای این گروه از آسیای میانه، ازبکستان، تاجیکستان و ترکستان‌شرقی به افغانستان آمده‌اند.

اگرچه ظرفیت مقابله با این افراد و اراده و تصمیم برای مبارزه با این افراد در افغانستان وجود دارد، اما باید بر این نکته تأکید کنم ظهور داعش، امروز یک معضل منطقه‌ای است و نیاز به راه‌حلی منطقه‌ای نیز دارد. همه کشورها باید با هم و با یک استراتژی و راهبرد مشترک، برای مبارزه با این خطر بالقوه آماده باشند.

یعنی حضور داعش در افغانستان هنوز بالقوه است اما خطر بالفعل‌شدن را دارد؟

بله، در این مسئله شکی نیست که حضور داعش در افغانستان خطر بالفعل‌شدن را دارد. حضور افراد مرتبط با حرکت اسلامی ترکستان شرقی در سین‌کیانگ، چینی‌ها را بسیار نگران کرده است.

اگر حضور و فعالیت داعش در مناطقی از افغانستان بالفعل شود، چه تأثیراتی بر مناسبات منطقه‌ای خواهد گذاشت؟

برای حل این مسئله و در برخورد با این گروه، همه کشورها باید استراتژی مشترک داشته باشند. تفاوت میان طالبان و داعش این است که وقتی طالب‌ها ظهور کردند، کشورهای منطقه، طالبان را خطری منحصر به افغانستان می‌دانستند و این مسئله را خطری برای خود فرض نمی‌کردند، اما امروز حضور داعش و نوع فعالیت این گروه همه را متوجه این مسئله کرده است که این خطر فقط متوجه افغانستان نیست، بلکه خطری جدی برای همه کشورهای منطقه محسوب می‌شود.

اشرف‌غنی در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری، سیاست خارجی دولت خود را در پنج محور تعریف کرد.



شامل ارتباط با کشورهای همسایه، کشورهای اسلامی، سه کشور ژاپن،امریکا و کانادا، کشورهای آسیایی و سازمان‌های بین‌المللی بود که به‌این ترتیب، ایران جزء سه حلقهٔ سیاست خارجی افغانستان قرار دارد. با توجه به این تعریف تئوریک، امروز شما وضعیت روابط کنونی تهران و کابل را در عمل چگونه ارزیابی می‌کنید؟

روابط دو کشور همیشه خوب بوده و امیدوارم در آینده از این نیز بهتر شود. در نشست اخیری که رؤسای‌جمهور دو کشور با هم داشتند، بر این موضوع تأکید شد و هردو اعلام کردند دو کشور آمادگی لازم را برای امضای توافق‌نامهٔ جامع برای همکاری‌های بیشتر دارند و امید است در آیندهٔ نزدیک شاهد امضای چنین توافق‌نامه‌ای باشیم. جایگاه جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور دوست و همسایه، برای ما بسیار مهم است و ما هم کوشش می‌کنیم روابط را در سطح بسیار خوب ادامه دهیم.

به‌نظر شما، توافق هسته‌ای بین ایران و کشورهای ۱+۵ چه تأثیری بر روابط ایران و افغانستان در سطوح مختلف و بر مناسبات منطقه‌ای خواهد داشت؟

این توافق نه تنها بر افغانستان، بلکه بر مناسبات منطقه‌ای تأثیرات بسیار مثبت و خوبی خواهد گذاشت. با اجرای این توافق، تحریم‌های بین‌المللی ایران رفع می‌شود. همچنین مشکلاتی که جامعهٔ جهانی در ارتباط با برنامه هسته‌ای ایران داشت، با توافق اخیر ایران و کشورهای ۱+۵ حل شده است. این توافق امکانات بیشتری را برای گسترش روابط منطقه‌ای مهیا می‌کند و به‌این ترتیب، افغانستان هم می‌تواند روابط خود را به ویژه در حوزهٔ اقتصادی با ایران، بیش از پیش توسعه دهد. ما می‌توانیم از طریق بندر چابهار در جمهوری اسلامی ایران فعالیت تجاری و اقتصادی داشته باشیم و این مسئله برای ما حائز اهمیت است. در ملاقاتی که اخیراً در حاشیهٔ نشست شانگهای در شهر «اوفای »روسیه صورت گرفت، رئیس‌جمهور افغانستان نیز از این مسئله استقبال کرد. ما امیدواریم در آیندهٔ نزدیک هیئت های تجاری و اقتصادی بین ایران و افغانستان نشست هایی داشته باشند تا دربارهٔ گسترش برنامه‌های اقتصادی صحبت کنند.

پیش‌تر تنها راه افغانستان به آب‌های آزاد از طریق بندر کراچی در پاکستان بود. البته امروز بندر چابهار بسیار مهم است. هرچند راه های دیگری نیز برای افغانستان وجود دارد. راه لاجورد یکی از راه‌هایی است که افغانستان را از طریق ترکمنستان، گرجستان و آذربایجان و ترکیه، به آب های آزاد وصل می‌کند. اما چابهار مهم‌ترین و نزدیک ترین راه دسترسی افغانستان به آب‌های آزاد خواهد بود.

توافق اخیر ایران و غرب، هم از لحاظ اقتصادی و تجاری و هم از لحاظ سیاسی، برای افغانستان اهمیت دارد. تحریم‌های سال‌های اخیر غرب علیه ایران به‌صورت طبیعی بر وضعیت معیشت و زندگی مهاجران و کارگران افغان در ایران نیز تأثیر منفی‌ای گذاشته بود. همچنین با توجه به حجم واردات تجارتی افغانستان از ایران، حل این مشکل و رفع تحریم‌ها به‌صورت طبیعی تأثیر مثبت می‌گذارد و امیدواریم زمینه تقویت بیشتر دادوستدهای تجارتی و اقتصادی میان افغانستان و ایران و درمجموع در سطح منطقه بیشتر از پیش تقویت شود.

از سوی دیگر، از لحاظ سیاسی نیز این توافقات برای ما اهمیت دارد، زیرا جمهوری اسلامی کشور برادر و همسایه ماست و کشورهای غربی در شرایط کنونی از دوستان و متحدان استراتژیک افغانستان هستند. با توجه به این مسئله، کاهش تنش میان کشور برادر جمهوری اسلامی ایران و متحدان جهانی ما، از لحاظ سیاسی برای ما اهمیت دارد.

این‌روزها خبر درگذشت ملامحمد عمر و واکنش‌ها به آن، در صدر عناوین مهم خبری در افغانستان و منطقه بوده است. به‌نظر می‌رسد فقدان ملامحمد عمر، به‌عنوان رهبر سیاسی این گروه، باعث ایجاد شکاف و چند دستگی میان نیروهای طالب شده است. بخش‌هایی از طالبان با ملامحمد اختر منصور بیعت کرده‌اند و برخی دیگر به‌دنبال فرزند ملامحمد عمر، ملایعقوب، هستند. شکاف در رهبری طالبان تا چه حد می‌تواند بر روند مذاکرات صلح با طالبان تأثیرگذار باشد؟

امکان ایجاد چند دستگی در گروه طالبان وجود دارد و نشانه‌هایی از این مسئله به چشم می‌آید. البته با توجه به اطلاعاتی که در دست داریم، طالبان به طور رسمی ملااختر محمدمنصور را به‌عنوان رهبر جدید خود انتخاب کرده‌اند. ملااختر محمد منصور، دو معاون دارد که یکی از آنها سراج‌الدین حقانی است و نفر دوم ملامحمد یعقوب فرزند ملامحمد عمر، است. البته برخی دیگر از حضور ملاهیبت‌الله آخوندزاده به‌عنوان معاون دوم رهبر جدید طالبان سخن می‌گویند.

تفاوت وضعیت فعلی و گذشتهٔ طالبان این است که شانس گفت‌وگو و مذاکرات در شرایط کنونی بیشتر است. در گذشته اگر ما با ملامحمد عمر مواجه بودیم، او رهبری بود که کسی نمی‌دانست در کجاست و هر صحبتی که می‌شد، طالب‌ها می‌گفتند ما باید در این رابطه با رهبر خود صحبت کنیم و از او دستور بگیریم. این در حالی بود که کسی از محل زندگی ملامحمد عمر اطلاع نداشت. اما در وضعیت فعلی اگر ملااختر محمد منصور به‌عنوان رهبر طالبان انتخاب شود، دست‌کم مشخص است ما به‌طور دقیق و واضح با چه کسی و در کجا صحبت می‌کنیم. همین شفافیت می‌تواند دلیلی بر این باشد که روند مذاکرات صلح بهتر از گذشته به پیش خواهد رفت.

همچنین ما امیدواریم کشور همسایه و دوست، پاکستان، هم در این پیشبرد مذاکرات صلح در شرایط کنونی جدی باشد و همکاری خود را در این رابطه ادامه دهد.

به نظر می‌رسد در چند ماه گذشته اسلام‌آباد تلاش‌هایی در جهت انجام مذاکرات صلح با طالبان داشته است. به نظر شما امروز و در شرایط کنونی و با توجه به نوع روابط طالبان و پاکستان، اسلام‌آباد تا چه حد بر رهبری جدید طالبان احاطه و نفوذ خواهد داشت؟

به‌نظر من پاکستان امروز در شرایط بهتری قرار دارد. بعد از تأسیس حکومت وحدت ملی در افغانستان روابط دو کشور بسیار خوب شده است و امیدواریم پاکستان به تلاش‌هایی که شروع کرده ادامه دهد و در تلاش‌هایش صادقانه عمل کند.

ص ۶

دو سال امارت مرد مرده بر گروه زنده!

محمد فایق هشام

ملامحمد عمر – مردی که از سال ۱۳۷۳ شمسی بر این مملکت جز اندوه، غم و ویرانی چیز دیگری نداده است. ملا محمد عمر رهبر گروه طالبان افغانستان از زمان درست شدن این گروه تا زمان مرگش، رهبری این گروه را به عهده داشته است.

جنگ نخست طالبان برضد مجاهدان از خاستگاه شان (قندهار) بر ضد مجاهدان آغاز گردید و این جنگ خونین و ویرانگر، رفته رفته علیه دولت مجاهدین ادامه یافت تا آن‌جا که کابل بدست طالبان افتاد. طالبان حدود پنج سال دیگر در پهلوی سایر متصرفات شان، بر کابل نیز تسلط داشت. تبعیض نژادی و مذهبی از دو خاصیت عمدهٔ طالبان بود و تبعیض سوم را هم در شمال کشور از خود به نمایش گذاشت که تبعیض علیه تاکستان ها و باغ‌های شمالی بود. آن زمان از یادم نمی‌رود که در زادگاهم جنگنده‌های بمب‌ریز که به حمایت از همین جنایتکاران بر قریه‌جات و دهات بمب می‌ریختند و هنگام غرش جنگنده‌ها دیگر خود را به پروردگار سپرده بودیم و کلمهٔ شهادت را به زبان می‌آوردم و منتظر مرگ خود بودم. ما شاهد فرود آمدن بمب‌های خوشه‌یی و بیرلی بودیم که آرامش آن دیار را ربوده بود. اما نیروهای رزمندهٔ مقاومت سه شکست فوق‌العاده را به طالبان به ابتکار و رهبری خردمندانهٔ فرماندهٔ نامور و شجاع کشور شهید احمدشاه مسعود در آن دیار به طالبان وارد اورد.

پس از تأسیس دولت جدید، طالبان چندسالی جنگ را متوقف و بعداً جنگ را آغاز کرده و در طول این چهارده سال بیشتر از گذشته مرتکب جنایات جنگی دیگر گردیدند. درست در قرن ۲۱ طالبان همچنان شیوه و نوعیت جنگ شان را تغییر دادند – از جنگ جبهه‌یی به تهاجم و گریز پرداخت و جاگزین حملات انتحاری جاگزین حملات هوایی گردید.

مرگ ملا محمد به تأیید دستگاه استخباراتی کشور که در سال ۲۰۱۳ وفات کرده است، دو سال تمام مکتوم نگه داشته شد. تبصره‌های بیشتری نسبت به مکتوم نگه داشتن مرگ او از سوی مبصرین صورت گرفته است و اما در کنار سایر دلایل مخفی نگه داشتن مرگ او این دو دلیل هم وجود دارد:

سال ۲۰۱۴ سالی بود که قوای خارجی مسوولیت‌های امنیتی را به نیروهای افغان واگذار می‌کردند و نیروهای افغان عهده‌دار تأمین امنیت تمامی کشور می‌شدند. به همین اساس اگر مرگ ملا محمد عمر افشا می‌گردید، گروه طالبان دچار انشعاب گردیده و در نتیجه در سال ۲۰۱۴ و سال‌های پس از آن جنگجویان طالب ضعیف‌تر و جنگ غیر منظم را با نیروی کم تر به پیش می‌بردند. پاکستانی‌ها منفعتی را که باید نصیب می‌شدند، پس از افشای مرگ ملا محمد عمر که فصل دست‌یابی پاکستانی‌ها به منافع تقریباً بزرگ گفته می‌شود الی ظهور و پرورش گروه دیگر، نصیب نمی‌شدند.

مسئله مذاکرات صلح که دولت افغانستان دنبال کلید آن می‌گشت. طالبان بارها جانب مقابل خود امریکا را می‌دانست؛ اما پس از این‌که سفرهای مقامات نظامی و استخباراتی پاکستان به کشور شدت گرفت این امکان شاید وجود داشته باشد که دولت افغانستان به جانب پاکستانی امتیازاتی را داده باشد تا پاکستان طالبان را به میز مذاکرات صلح بکشاند و پاکستان با حایز شدن امتیازات دور اول مذاکرات صلح را در شهر مری اسلام آباد پاکستان برگزار کرد. پس از آن‌که مکان دور دوم مذاکرات صلح مشخص گردید افشای مرگ ملا محمد عمر این دور مذاکرات صلح را بدون سرنوشت ماند و این امکان وجود دارد که این همسایهٔ مغرض خواهان گرفتن امتیازات دیگری گردد که طالبان را باز به میز مذاکره بکشاند.

اما طالبان در وضعیت بحرانی بی‌پیشینه‌یی قرار دارند. انشعاب‌هایی‌که در صف طالبان صورت گرفته است طالبان را پارچه پارچه و متفرق کرده است و اخیراً هم سید طیب آغا مسوول دفتر این گروه در قطر هم از سمت خود کنار رفته است.

تعدادی با برگزاری مراسم فاتحه خوانی برای ملا محمد عمر هنوز هم در صدد توجیه اعمال طالبان اند. وقتی نامی از ملامحمد عمر و طالبان برده شود، بجز کسانی‌که در خوان طالبان نشسته‌اند، دیگران واکنش و انزجار خویش را نشان می‌دهند.

از بهر سرکشی و قساوت و بی‌رحمی افراد این گروه، دشمنان ما به مرام‌های‌شان رسیدند و هر روز ما شاهد به شهادت رسیدن فرماندهان شجاع جهاد هستیم که دستان ملوث و خونین همین طالبان در آن به اشارهٔ بیگانگان دخیل است.

طالبان هیچ خدمتی به اسلام و به افغانستان نکرده‌اند. آتش زدن مساجد، مکاتب، مدارس، عشر و زکات‌گیری از مردم فقیر و تنگدست، قاچاق مواد مخدر و اجرای پروژه‌های پاکستانی‌ها و موارد فوق را از سوی طالبان و به رهبری ملا محمد عمر، آیا می‌توان خدمت به اسلام و افغانستان دانست؟

توسعهٔ کانال سوئز طرحی اقتصادی یا سیاسی؟

ابوبکر سبزوار

اندیشهٔ ایجاد ارتباط میان بحیرهٔ سرخ و مدیترانه که اروپا را به آسیا وصل نماید از قرن ها قبل حتی در دوران مصر باستان وجود داشت اما کار احداث این کانال در زمان سعید پاشا والی مصر توسط فرانسوی ها آغاز شد. در این پروژهٔ عظیم مانند احداث اهرام مصر، کشاورزان مصر به کار اجباری پرداختند که در سال ۱۸۶۹ در مدت سیزده سال و با مصرف یک میلیون پوند به پول آن زمان به پایان رسید.

بیشتر سهام کانال سوئز در اختیار فرانسوی ها بود و طبق قرارداد ۹۹ ساله، دولت مصر هیچ کنترولی براین کانال نداشت اما سپس انگلیسی ها سهم دولت مصر را از خدیو مصر خریداری نمودند که به این ترتیب دولت مصر هیچ سهمی در عواید این کانال نداشت.

این تحولات موجب گردید تا انگلیس ها به مداخله در امور داخلی مصر بپردازند. قیام معروف احمد اعرابی پاشا علیه انگلیس ها و سرکوب این قیام موجب شد تا مصر عملاً تحت سلطهٔ انگلیس درآید تا اینکه در سال ۱۹۵۶ ماجرای ملی شدن کانال سوئز توسط جمال عبدالناصر پیش آمد. انگلیس و فرانسه تلاش کردند تا مصر بار دیگر تحت سلطهٔ آنان درآید اما تحولات ناشی از دوران بعد از جنگ دوم جهانی و تقسیم جهان به دوقطب، مانع این خواست آنان گردید و نیروهای خارجی خاک مصر را ترک گفتند.

در سال های اخیر با رسیدن موج بهار عربی به مصر و بقدرت رسیدن اخوان المسلمین، نگرانی شدیدی بر اسرائیل و دوستان این کشور در سراسر جهان مستولی شد. بدنبال کودتای جنرال عبدالفتاح السیسی و سرنگونی حکومت قانونی در این کشور، جهان غرب و دوستانش در منطقه در صدد برآمدند تا برای رژیم جدید در مصر حمایت مردمی کسب نمایند. با توجه به سرکوب وحشیانهٔ مردم مسلمان مصر توسط رژیم کودتا و نا امنی های بعد از آن، تصمیم حلقات صهیونیستی در سراسر جهان این شد تا با تقویت وضع اقتصادی مصر، حمایت از اخوان را در این کشور تضعیف نمایند.

بخش بزرگی از عواید مصر از صنعت توریسم بدست می آمد و با گسترش نا امنی ها، میزان عواید از این بابت بشدت کاهش یافت که این کار مخالف خواست دوستان اسرائیل بود به همین دلیل راه بدیل را در آن دیدند که عواید این کشور را از راه دیگری افزایش دهند. یگانه راه در این رابطه توسعهٔ کانال سوئز بود.

طرح توسعهٔ کانال سوئز از سال ها قبل وجود داشت زیرا این کانال یکی از معبر های پر رفت و آمد آبی در جهان بوده و از نظر انتقال نفت به دنیای غرب نیز برای کشور های غربی اهمیت حیاتی دارد. به دلیل تراکم در رفت و آمد در این آبراه، کشتی ها باید برای عبور از آن مدتی را در انتظار بگذرانند اما با توسعهٔ کانال، این مشکل نیز تا حدی حل می شود.

با توجه به مسایل سیاسی که به آن اشاره شد، جنرال السیسی در ماه اگست ۲۰۱۴ با اطمینانی که از کشور های دیگر دریاقت داشته بود، کار احداث خط دوم کانال سوئز را افتتاح کرد. نام این پروژه (رویای بزرگ) گذاشته شد و همانگونه که اشاره شد بخاطر اهمیت آن برای بقای حکومت نظامی مصر، در مدت هشت روز ۸.۵ میلیارد دالر بودجه ساخت آنرا کشورهای خارجی تامین کردند و طبق وعدهٔ حاکم نظامی مصر، قرار شد که این پروژه در مدت یک سال با امکانات تخنیکی ارتش مصر تکمیل گردد که در اطراف این کانال نیز تاسیسات دیگری به منظور خدمات بهتر به کشتی رانی در مسیر کانال ساخته خواهد شد.

کانال سوئز ۳۵ کیلومتر طول دارد که کانال جدید موازی با آن حفر گردیده است. در عین حال قرار است تا کانال قدیمی هم عریض تر و عمیق تر گردد و با این تغییرات، تعداد کشتی هائی که این آبراه را عبور می کنند هشتاد درصد افزایش یافته و مدت توقف برای نوبت عبور نیز هشت ساعت کمتر گردد.

گفته می شود که عواید مصر نیز با افتتاح کانال جدید نیز از ۵ میلیارد دالر در سال به ۱۴ میلیارد دالر افزایش یابد اما این ادعای دولت مصر را کارشناسان اقتصادی زیر سوال برده اند. کارشناسان اقتصادی معتقد اند که به دلیل رکود در اقتصاد جهان، چنین انتظاری فقط می تواند تبلیغات دولت مصر برای دادن امید به مردم ناراضی مصر باشد. اگر رشد تجارت در جهان به میزان ۹ درصد در سال رشد نماید، این انتظار دولت مصر برآورده خواهد شد اما رشد تجارت جهانی در شرایط فعلی فقط ۳ درصد است و تا آیندهٔ نزدیک امیدی برای رشد بیشتر دیده نمی شود. بنا براین کشتی های بیشتری از این کانال عبور نخواهد کرد و فقط به کشتی هائی که با همان تعداد سابق از کانال می گذرند، تسهیلات بیشتر فراهم خواهد شد.

بعضی از کارشناسان اقتصادی به این باور اند که این طرح بیشتر از اینکه یک طرح اقتصادی باشد، طرحی سیاسی است و با توجه به اینکه مصر بعد از سرنگونی دولت اخوان با خشونت های فزاینده مواجه است، دولت این کشور به این امید دست به این کار زده تا با اجرای این طرح، ملت را بدور یک هدف ملی گرد آورد.

روز پنجشنبه ۱۶ گوست خط دوم کانال سوئز طی مراسمی با حضور مقاماتی از کشور های مختلف جهان افتتاح گردید و از جانب افغانستان داکتر عبدالله عبدالله رئیس اجرائیهٔ حکومت وحدت ملی در آن شرکت نمود. این دعوت نیز می تواند نشانی از حمایت مجاهدین افغانستان از حکومت السیسی در برابر اخوانی ها بشمار آید که نشان می دهد مسایل سیاسی در این طرح و حتی افتتاح آن برای دولت مصر مهم بوده است.

واکنش ها درپی فاش شدن قتل ملا عمر

اندیشه

واکنش های مردم در حالی ابراز شد که برخی ها می خواستند، از ملاعمر قهرمان افسانه ای بسازند. در کابل و جاها های دیگر حلقاتی معلوم الحالی که اکثراً از اعضای حزب اسلامی، شورای صلح، حرکت انقلاب اسلامی شاخهٔ مولوی نبی و مولوی منصور بودند، برایش فاتحه خوانی و نوحه سرایی کردند، او را مجاهد خواندند و مبارز آزادی بخش لقب دادند. در حالی که ملا عمر و گروه تحت امرش که اصلاً به نیابت از پاکستان طی بیش از دو دهه در افغانستان جنگیدند، چه بلاها و مصیبت های را نبود که به مردم افغانستان به بار نیاورده باشند.؟ مراسم فاتحه خوانی را در حالی تعداد محدودی از همفکران و هم تباران او در کابل و برخی ولایات جنوبی راه اندازی کردند که با گذشت هر روز خون مردم بی گناه و جوانان ما در صفوف نیروهای نهادهای امنیتی ریختانده می شود.

به مناسبت پخش خبر مرگ ملا عمر یک مقام پیشین حکومت کرزی مقاله یی را در یک روزنامهٔ پر تیراژ کابل نشر کرد "مزدور! بر مزار تو کس نخواهد گریست" زیر این عنوان مرگ او را شبیه مرگ دیگر مزدوران مانند شاه شجاع، ترکی، امین، ببرک و نجیب خفت بار و شرم گین خواند. در عین حال یک مقام پیشین حکومت کرزی که در حال حاضر از جا و مکنت در حکومت آقای غنی نیز برخوردار است، طی اظهاراتی، ممنوع قراردادن هر نوع تجمع و فاتحه خوانی را از سوی ریاست امنیت ملی، خلاف عرف و عادات و فرهنگ افغانی دانست. پس از آن که مردم واکنش نشان دادند، ریاست امینت ملی طی اعلامیهٔ هر نوع تجمع و فاتحه خوانی را نسبت مرگ ملا محمد عمر ممنوع خواند. فاتحه خوانی برای مرگ ملای مزدور را مردمان ولایات شرقی مانند، ننگرهار، غزنی، و همچنان ولایات مرکزی نکوهش کردند. مردم طی گردهمایی های در واکنش به این رویکرد، ملاعمر را جنایت کار جنگی و مزدور پاکستان خواندند و هر نوع فاتحه گیری را در قلمرو جمهوری اسلامی توهین به شعور جمعی دانستند.

مرگ ملا عمر یک چیز را واضح ساخت که تمام سران گروه های تروریستی در پاکستان اند. از ملامحمد اختر منصور جانشین ملا عمر گرفته، تا چهره های موافق و مخالف این گزینش، و حتی اعضای خانوادهٔ ملا عمر واکنش های خود را از قلمرو پاکستان ابراز کردند. در پاکستان به مناسبت مرگ او مراسم فاتحه خوانی صورت گرفت. مراسم جا نشینی اختر منصور نیز طی گردهمایی نه چندان پر رونق در پاکستان و تحت نظر (آی اس آی) برگزار گردید.

دولت جمهوری اسلامی افغانستان با پخش اعلامیهٔ گفت: تحولات و رویدادهای اخیر را در رهبری گروه طالبان و شبکهٔ حقانی، به شمول نحوه و محل برگزاری جلسات شان، به دقت تحت نظر دارد. این تحولات، سوالات زیادی را در تمام سطوح نزد مردم افغانستان و جهان ایجاد کرده است. گروه هایی که با تأثر از تبلیغات سوء دشمنان افغانستان، علیه مردم و کشور شان در جنگ قرار دارند، باید بدانند که فریب خورده اند و با حرکت در این مسیر ضد مردم و منافع افغانستان، مرتکب اعمال جنایت بار بیشتر می شوند. در این اعلامیهٔ ارگ، گروه طالبان و دیگر گروه های مسلح مخالف دولت را صرف به عنوان گروه های مسلح مخالف شناخت و تصریح کرد که تنها زیر همین عنوان با آنها گفتگوهای صلح را ادامه می دهد.

افشا شدن مرگ ملا عمر، روند مذاکرات صلح را به بن‌بست کشاند. در حالی که قبلاً موافقه صورت گرفته بود، تا دور دوم مذاکرات به زودی در اسلام آباد یا جای دیگر انجام شود. اما ملا اختر منصور پس از آن که جانشین ملا عمر اعلان شد، گفتگوهای صلح را رد کرد و بر طبل جنگ کوبید. مردم پروان، بامیان، فعالین مدنی، شورای علما و مجاهدین سابق ولایت بامیان طی یک گردهمایی اظهارات رهبر جدید طالبان و حمله های راکتی پاکستان را به خاک افغانستان محکوم کردند. در عین حال در پروان و ننگرهار نیز طی نشست و مظاهره، بر اظهارات رهبر جدید طالبان اعتراض کردند.

افشای مرگ رهبر طالبان، موضوع جانشینی او و اختلافاتی که در درون این حرکت به میان آمده است، موضوع صلح و جنگ را به پرسش مواجه ساخته است. اگر دولت افغانستان آنگونه که اذعان می کند، تحولات را به دقت زیر نظر داشته باشد و به سود صلح و ختم جنگ تلاش کند احتمال آن وجود دارد که اوضاع در کشور تغییر یابد. از سوی هم این کار بسته‌گی به نیت پاکستان و ارتش قدرت مند این کشور دارد که بیش از دو دهه است از طالبان به عنوان ابزار و پیش مرگ های جنگ برضد منافع ملی افغانستان استفاده می کند.

چاپِ کتابِ

"بررسی فرایند نوستالژی در شعر استاد خلیلی"
از سوی سفارت افغانستان در مصر

"بررسی فرایند نوستالژی در شعر استاد خلیل الله خلیلی" نوشتهٔ شاعر و نویسندهٔ توانای کشور عبدالقیوم ملکزاد است. آقای ملکزاد این نوشته را لطف نموده جهت نشر در هفته نامهٔ مجاهد گسیل داشتند که در چندین شمارهٔ این هفته نامه به نشر رسید.

اخیراً نوشته یاد شده، به کوشش آقای فضل الرحمن فاضل سفیر کبیر افغانستان در مصر، به تاریخ ۱۴ ثور ۱۳۹۴ به مناسبت بیست و هشتمین سالگرد وفات روانشاد استاد خلیل الله خلیلی از سوی بخش فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی افغانستان در قاهره به شکل کتاب با طرح و دیزاین زیبا به نشر رسیده و این کتاب به دانشمند عالی مقام پروفیسور دکتر عفاف زیدان اهداء گردیده است.

آقای فضل الرحمن فاضل سفیر کبیر افغانستان در مصر، در مقدمهٔ این کتاب نوشته است: "سفارت جمهوری اسلامی افغانستان افتخار دارد این کتاب را به دانشمند فرهیخته و پیش کسوت در عرصهٔ شناخت و فهم زبان های شرقی در جمهوری عربی مصر و به مثابهٔ نخستین بانوی مصری که در پوهنتون (دانشگاه) کابل، زبان فارسی دری را از استادان مسلم این زبان در افغانستان فرا گرفت و مهمتر از همه خدماتی به فرهنگ پربار ما انجام داد؛ عبدالحی گردیزی و وزین الاخبارش را، منهاج السراج جوزجانی را با اثر حجیمش طبقات ناصری، فرخی سیستانی و استاد خلیل الله خلیلی را با سروده های ناب شان و قهرمان ملی افغانستان احمد شاه مسعود و پیکار و مبارزهٔ دلاوران افغان را، با نگارش و ترجمهٔ کتاب های قطور و سودمند؛ توأم با اخلاص و صمیمیت، به مصر و جهان عرب معرفی داشت، این کتاب را به همچو دانشمند فرهیخته و والامقام؛ صمیمانه اهدا می نماییم و از بارگاه خدای خیر الناصرین، برای این استاد ارجمند مقام و دانشمند و افتخار مصر و جهان عرب، سلامتی، طول عمر و سرافرازی دارین، استدعا داریم."



آقای فاضل سفیر افغانستان، در مورد سال وفات استاد خلیل الله خلیلی و فعالیت های فرهنگی که از سوی نشرات جمعیت اسلامی افغانستان در آن سال ها راه اندازی شد، در پیشگفتار این کتاب یادآوری می نماید و می نویسد:

"چهاردهم ثور سال ۱۳۶۶ هجری خورشیدی خبر غم انگیزی دل های پریش مهاجران را در سرزمین هجرت پریشانتر و غمگینتر کرد؛ مردم اطلاع یافتند که بامداد آن روز، استاد خلیل الله خلیلی قافله سالار و طلایه دار ادبیات فارسی دری سدهٔ پسین، جان به جان آفرین تسلیم کرده است.

همه کسانی که با آثار و سروده های استاد خلیلی آشنایی داشتند، می دانستند که استاد وصیت کرده است تا پیکرش در میان آواره گان به خاک سپرده شود، استوار بر آن آگاهی، همان روز آمادگی های لازم گرفته شد و در یک گردهمآیی با شکوه، مهاجران و مجاهدان، بعد از ادای نماز جنازه، پیکر خاموش سخنور صورتگر راستین میدان های جهاد و بیانگر فصیح الکلام دردهای جانکاه و دشواری های آوارگی شان را بر دوش حمل کردند و با اندوه فراوان در قبرستان "عبد الرحمان بابا" جایی که هزاران تن از آوارگان مهاجر در چند سال اخیر دوری از میهن، در آن به خاک سپرده شده بودند؛ پیکر استاد را نیز در آنجا، به امانت سپردند. در مراسم خاکسپاری روانشاد استاد، زعما و بزرگان جهاد افغانستان، فرهنگیان، مهاجران بی بضاعت همه، اخلاصمندانه سهم گرفتند.

در آن سال ها اینجانب سردبیری ماهنامهٔ "میثاق خون" را – که یکی از دو ماهنامهٔ مشهور و نسبتاً پر تیراژ دوران جهاد به شمار می رفت – بر دوش داشتم. طبق معمول با درنظر داشت مناسبت ها و یا رویداد های پیش آمده، در روی جلد هر شمارهٔ مجله، فوتوی یکی از فرماندهان جهاد یا شهیدان پیشگام مبارزه را به نشر می رساندیم؛ من تصمیم داشتم تا در روی جلد ماهنامه در ماه "ثور" فوتوی استاد فیض الرحمن فایض یک تن از فرماندهان دلاور جهاد را که در ماه ثور یک سال قبل، به شهادت رسیده بود، به مناسبت نخستین سالگرد شهادتش، به نشر برسانم. استاد فایض شهید با وجودی که برادر بزرگم و استاد مبارزه و رهنما و مشوقم در نویسندگی بود، یکتن از مجاهدان راستین، پاک و محبوب در میان همقطارانش به حساب می رفت؛ مردی که جهاد و مبارزه را پاکدلانه آغاز کرده بود و پاکدلانه و دلاورانه ادامه داد و سرانجام در ۷ ثور ۱۳۶۵ هجری خورشیدی به شهادت رسید، اما با وفات استاد خلیل الله خلیلی، تصمیم خود را مبنی بر نشر فوتوی برادرم استاد فایض در روی جلد "میثاق خون" عوض کردم و شایسته و بایسته دانستم تا فوتوی استاد خلیلی؛ این ادیب فرزانه و مرد قلم و بیانگر ژرف اندیش و امین مبارزات بی آلایشانهٔ مردم خود را به نشر برسانم. همان بود که ماهنامهٔ برج ثور ۱۳۶۶ هجری خورشیدی را به مثابهٔ ویژه نامهٔ آن قافله سالار بزرگ ادبیات و فرهنگ افغانستان، به نام و یاد او تخصیص دادیم و آن شمارهٔ "میثاق خون" در حالی که فوتوی استاد در صدر آن قرار داشت، با زحماتی که آقایان ثمرالدین ثامر و ناصرالدین جمال همکارانم در صفحه آرایی آن، به خرج دادند؛ با محتوای عالی و متنوع و شمارگان زیاد به چاپ رسید و مورد استقبال فراوان دوستداران استاد قرار گرفت.

استاد خلیلی بر همه فرهنگیان افغانستان حق پیشکسوتی و رهبری دارد؛ اینجانب آخرین ملاقات خویش را با آن بزرگوار به یاد می آورم که با برادران گرامی ام عبدالقیوم ملکزاد و ناصرالدین جمال دو تن از جوانان مبارز و فرهنگی فاریاب زمین که استاد با پدران ایشان از دوران نخستین تجاوز روس ها بر افغانستان در سال ۱۹۲۹ م آشنایی داشت، چند ماه قبل از وفات استاد، در سال ۱۳۶۵ هجری خورشیدی، به زیارتش در اسلام آباد رفتیم. استاد ما را که در سنگر فرهنگی جهاد، مشغول فعالیت بودیم؛ اعلامیه، پوستر، هفته نامه، ماهنامه و کتاب به نشر می رساندیم؛ همهٔ ما را فراوان تشویق کرد و فعالیت های ما را ستود.

به یاد می آورم که در آن روز ها، من مقالاتی را از منابع عربی به نام "أین الخلل؟" (خلل در کجاست ؟) به فارسی ترجمه نموده بودم و در ماهنامهٔ میثاق خون به گونهٔ مسلسل به نشر می رسید؛ تصور ما این بود که مخاطب نوشته های آن دوران، قشر جوان، مبارزان و مهاجران آواره و شاگردان در اردوگاه های آوارگان و سربازان گمنام سنگرهای گرم جهاد می باشد و تصور نمی کردم استاد خلیلی آن قافله سالار بزرگ ادبیات دری در سن کهولت و با مصروفیت های فکری دیگر، وقت داشته باشد تا نوشته های ما جوانان را مطالعه کند، اما برخلاف گمان ما، اکثر نوشته هایی که در محیط هجرت به چاپ می رسید، از نظر استاد، می گذشت. استاد نبشتهٔ " خلل در کجاست؟" را نیز مطالعه کرده بودند، در نوشتهٔ "خلل در کجاست؟" نویسنده در میان نوشته اش سروده ای از متنبی شاعر مشهور عرب را آورده بود که:

"رمانی الدهر بالأرزاء حتی
فؤادی فی غشاء من نبال
فصرت إذا أصابتنی سهام
تکسرت النصال علی النصال"

حین برگردان، وقتی آن شعر را به نثر فارسی، ترجمه نمودم به نظرم ترجمهٔ من، فصاحت لازم را نداشت، از همین رو به یاد آوردم که استاد خلیلی در یکی از سروده هایش به محتوای آن شعر، اشارت کرده است؛ بناءً عوض ترجمهٔ غیر فصیح خود، سرودهٔ استاد بزرگوار را درج کردم.

این سرودهٔ استاد "فریاد " نام دارد که قبل از تشریف آوری اش به محیط هجرت، اغلب گمان آن را در امریکا و در نخستین روزهای آغاز جهاد مردم افغانستان، راجع به اوضاع وطن و درد غربت سروده بود، آن سروده با این مطلع آغاز می یابد:

"یارب! این شام است یا دود سیاه
این که بر اندیشه ام بر بسته راه
می رسد هر لحظه فریاد وطن
نالهٔ جانسوز اولاد وطن "
سپس در چند مصرع بعد می فرماید:
"من به غرب افتاده مهجور از وطن
بحرها و خشکه ها دور از وطن
لیک هردم می کشاید بال و پر
سوی من از کشورم تیر دگر
بر سر هر تیر بینم آشکار
غرقه در خون نقش آن شهر و دیار
رشکم آید از سخندان عرب
آن که برده گوی سبقت در أدب
گفت چندان تیر دل پنهان شده
در میان پوشی از پیکان شده
می رهم از تیر آسان بعد از این
بشکند پیکان به پیکان بعد از این"

وقتی که استاد از آن نوشته یاد آوری کرد و مرا مخاطب قرار داد و متواضعانه فرمود: "تشکر می کنم که در ترجمه شعر متنبی، شعر نا قابل مرا آورده بودید." در همان لحظه با مشاهدهٔ آن لطف فراوان استاد، به یاد آوردم که من در آن مقاله، نام استاد را بدون ذکر لقب "استاد" نگاشته و تنها به درج " خلیلی" اکتفا نموده بودم. با یادآوری آن نزد خود بسیار خجالت شدم و امروز آن را، به بی توجهی و سهل انگاری دوران جوانی حمل می کنم. سپس برای جبیرهٔ آن سهل انگاری، مجموعهٔ آن مقالات ترجمه شده را در یک رسالهٔ مستقل، تحت عنوان "خلل در کجاست؟" در لاهور به چاپ رساندم و از استاد نیز در پی نوشت صفحهٔ مربوط یادآور شدم:

ص۷

ظهور داعش، یک معضل منطقه‌ای است و نیاز به راه‌حل منطقه‌ای...

شما به بهبود روابط کابل–اسلام‌آباد اشاره کردید. به‌نظر می‌رسد پس از تشکیل حکومت وحدت ملی، سیاست خارجی افغانستان نسبت به کشورهای همسایه چرخش‌هایی داشته است. از یک‌سو روابط افغانستان با پاکستان گسترش یافته است و از سوی دیگر، به‌نظر می‌رسد روابط با هندوستان پویایی سابق را ندارد. به‌نظر شما این تغییر رویکرد سیاست خارجی افغانستان، تا چه حد تأمین‌کننده منافع ملی افغانستان است؟

روابط افغانستان با هردو کشور هند و پاکستان، روابطی خوب و دوستانه است. روابط ما هیچ‌گاه با یک کشور، تحت‌تأثیر روابط ما با سایر کشورها نبوده و نخواهد بود و این موضوع واضح و روشن است. رئیس‌جمهور افغانستان هم بر این مسئله تأکید کرده است. پیش‌تر شما از پنج حلقهٔ سیاست خارجی افغانستان سخن گفتید. هندوستان در چهار حلقهٔ سیاست خارجی افغانستان جای دارد. روابط ما با پاکستان هم خوب است و ما خواستار بهبود روابط نیز هستیم. این به آن معنا نیست روابط ما با هندوستان تحت تأثیر قرار می‌گیرد و ما از هندوستان دور می‌شویم. به گفتهٔ «جواهر لعل نهرو» هر کشوری روابط خود را بر اساس منافع ملی استوار می‌کند. بنا براین روابط ما با هندوستان و همچنان با پاکستان خوب است.

اگرچه در ابتدا برخی دوستان افغانستانی ما در رسانه‌ها کوشش کردند از هندوستانی‌ها هندی‌تر شوند، اما تأکید می‌کنم در روابط ما با هندوستان هیچ تغییری به‌وجود نیامده است. در سفر اخیر رئیس‌جمهور افغانستان به هند موافقت‌نامه‌های دوجانبه‌ای امضا شد. ما کمک‌های هندوستان را به دیده قدر می‌بینیم و بر تقویت روابط خود با هندوستان هرچه بیشتر تلاش خواهیم کرد.

به‌نظر می‌رسد در افغانستان هنوز حساسیت‌هایی نسبت به عملکرد بخش‌هایی از حکومت پاکستان وجود دارد. در چند هفتهٔ گذشته، افغانستان شبکهٔ حقانی و سازمان اطلاعات پاکستان را در حمله به پارلمان متهم کرد. از سوی دیگر، پس از تشکیل حکومت وحدت ملی، رئیس‌جمهور افغانستان در جهت ترمیم روابط با پاکستان گام‌های جدی و عملی‌ای برداشته است. آیا اقدامات متقابل اسلام‌آباد توانسته پاسخ‌گوی اقدامات عملی و انتظارات کابل باشد؟

بزرگ‌ترین قدمی که پاکستان تا به امروز برداشته، تلاش این کشور برای انجام مذاکرات صلح با طالبان بوده است. این کشور تلاش زیادی کرده است تا هرچه زودتر نشستی مستقیم بین طالبان و دولت افغانستان انجام شود. شکی نیست پاکستان تا به امروز به انتظارات ما پاسخ نداده است. هنوز هم تعداد زیادی انفجار صورت می‌گیرد و طالبان در مناطق مختلف افغانستان حملاتی را به راه می‌اندازند. تلفات اردوی ملی و ارتش افغانستان هر روز بیشتر می‌شود. این همه نشان می‌دهد تا به‌حال و تا آن حدی که باید از ورود طالبان و امکانات آنها به افغانستان جلوگیری نشده است. بعد از اعلام مرگ ملاعمر، پاکستان باید ثابت کند با افغانستان همکاری خواهد داشت، چرا که امروز قصهٔ ملامحمد عمر تمام شده و رهبر جدید و رسمی طالبان مشخص شده است. بنا براین پاکستان امروز این فرصت را دارد تا نشان دهد طالبان را زیر فشار قرار می‌دهد و براساس هر نوع رابطه‌ای که با آنها دارد، می‌تواند آنان را وادار کند تا سر میز مذاکره بنشینند. من می‌توانم بگویم پاکستان در مقابل گام‌های مثبتی که افغانستان برداشته است، کار بزرگی نکرده و گام کلانی برنداشته است به‌جز اینکه، پروسهٔ صلح را پیش برده است. ما منتظر این هستیم تا ببینیم آهسته‌آهسته پاکستان چه اقداماتی را در جهت ترمیم و بهبود روابط دو کشور انجام خواهد داد.

باراک اوباما، رئیس‌جمهور امریکا، پیش‌تر اعلام کرد نیروهای ایالات‌متحدهٔ تا پایان سال ۲۰۱۶ افغانستان را به‌طورکامل ترک می‌کنند. خروج احتمالی همه نیروهای خارجی از افغانستان، چه تأثیرات احتمالی‌ای بر مسائل امنیتی و اقتصادی افغانستان خواهد داشت؟

تا پایان سال ۲۰۱۶ از تعداد نیروهای خارجی افغانستان کم می‌شود و فقط تعداد کمی از نیروهای امریکایی برای محافظت برخی مراکز و سفارت خود در افغانستان باقی می‌مانند. با توجه به اینکه درصد زیادی از اقتصاد افغانستان وابسته به نیروهای خارجی است، پس از رفتن آنها وضعیت اقتصادی نابسامان می‌شود. از سوی دیگر، باید توجه داشت مسوولیت امنیت در سراسر افغانستان امروز برعهدهٔ نیروهای امنیتی افغانستان است. امروز در هیچ کجا و در خط مقدم جبهه‌ها نیروهای خارجی حضور ندارند. فقط اگر در مواردی به نیروی هوایی نیاز باشد خارجی‌ها حضور خواهند داشت. به جز این، مسئله امنیت کل کشور بر عهدهٔ نیروهای افغانستان است. به همین دلیل هم تعداد تلفات و شهدای اردوی ملی –ارتش– افغانستان نیز در سال‌های گذشته افزایش داشته است. مشکل اصلی ارتش افغانستان، مسئلهٔ نیروی هوایی در این کشور است.

ایالات‌متحدهٔ امریکا اعلام کرده بود تا پایان سال ۲۰۱۷، نیروی هوایی در افغانستان تشکیل خواهد شد. تا کنون چه اقداماتی از سوی نیروهای امریکایی و ناتو در این زمینه انجام شده است؟

بله، تا امروز بعضی کمک‌ها صورت گرفته است. همچنین تعدادی از هلیکوپترهایی که وعده داده شده بود به ناوگان هوایی افغانستان پیوسته است. قرار است تعداد دیگری نیز در آیندهٔ نزدیک خریداری شود. اما اینکه بعد از خروج کامل نیروهای خارجی از افغانستان ممکن است مشکلاتی در افغانستان ایجاد شود، به تعهدات جامعهٔ جهانی وابسته است. به‌نظر من براساس موافقت‌نامهٔ ارتقا یافته و دوام‌دار با ناتو و با توجه به تعهدات و وعده‌های جامعهٔ جهانی به افغانستان، خروج نیروهای خارجی نمی‌تواند تأثیر منفی زیادی بر افغانستان بگذارد.

شما به حضور فعال افغانستان در سازمان‌های منطقه‌ای مانند «سارک »و «شانگهای»اشاره کردید. حضور و فعالیت افغانستان در این سازمان‌های منطقه‌ای چه تأثیری بر ثبات اقتصادی و امنیتی – سیاسی افغانستان خواهد داشت؟

افغانستان تا کنون به عضویت سازمان شانگهای درنیامده و به‌عنوان عضو ناظر حضور دارد. البته ما درخواست عضویت در این سازمان را کرده‌ایم. سازمان همکاری‌های منطقه‌ای شانگهای یکی از سازمان‌های مهم منطقه است و حضور و نقش افغانستان در آن و کشورهایی که در این سازمان حضور دارند و نزدیکی آنها به افغانستان، به امنیت و اقتصاد افغانستان کمک زیادی می‌کند. عضویت افغانستان در سازمان‌های منطقه‌ای قدم خوب و مثبتی است و محور یکی از سیاست های خارجی کابل است. تلاش ما در وزارت خارجه بر همکاری با کشورهای اسلامی و کشورهای منطقه استوار است و این مسئله یکی از برنامه های سیاست خارجی من برای تصدی وزارت خارجه نیز بوده است. من امیدوارم با سفر آقای عیاد امین‌مدنی، رئیس سازمان همکاری اسلامی، برخی برنامه‌های مشترک با این سازمان نیز به زودی اعلام شود.

پس از تشکیل حکومت وحدت ملی، همچنان اختلاف نظرهایی بین رهبران حکومت وحدت ملی در سیاست‌گذاری‌ها و ادارهٔ امور کشور دیده شده است. اختلاف نظرهایی ازاین دست تا چه حد می‌تواند بر روند کار دستگاه سیاست خارجی افغانستان تأثیر بگذارد؟

مسائل ناشی از ائتلاف در همه حکومت‌ها و نظام‌های سیاسی ائتلافی در دنیا وجود دارد و برخی اختلاف‌نظرهای موجود بسیار طبیعی است. در افغانستان اولین‌بار است که حکومت ائتلافی تجربه می‌شود. این در حالی است که افغانستان مشکلات خاص خود را نیز دارد.

با توجه به روند برگزاری انتخابات در افغانستان بهترین گزینه، تشکیل حکومت ائتلافی بود. البته اختلاف‌نظرهایی بین رهبران حکومت وحدت ملی هم وجود دارد و این مسئله‌ای غیرعادی نیست. اما در مسائل مهم کشور مانند سیاست خارجی افغانستان هیچ‌گونه اختلاف نظری بین رهبران حکومت وحدت ملی وجود ندارد. در مسائلی مانند روند مذاکرات صلح، روابط ما با ایالات‌متحدهٔ امریکا و ناتو و روابط با کشورهای منطقه، من هیچ اختلاف نظری میان رهبران حکومت نمی‌بینم و در سیاست‌های خارجی و کلان کشور، وحدت‌نظر کامل وجود دارد.

بازهم وعدهٔ توزیع

شناسنامه الکترونیکی

رئیس اجرایی حکومت وحدت ملی در آخرین نشست کابینه گفته است که بر روز ۲۸ اسد توزیع تذکره های الکترونیکی آغاز خواهد شد، چیزی که کمتر کسی باور دارد که به این زودی ها توزیع این شناسنامه ها در کشور آغاز گردد. هرچند طی ماه های اخیر یک سلسله فعالیت های دولتی در ادارات دولتی آغاز گردیده و از روسای خانواده های خواسته شده است تا معلومات مشخص خانواده های خویش را درج فورمه های معلوماتی سازند، تا برای آنها توزیع تذکرهٔ الکترونیک در نظر گرفته شود. قانون ثبت احوال نفوس از طرف رئیس جمهور غنی بعد از مراحل قانونی آن توشیح گردید؛ اما نظر به برخی نظرات و تعبیر های متناقض در خصوص شیوه، طرزالعمل و درج معلومات در این شناسنامه، رئیس جمهور را بر آن واداشت تا این سند توشیح شده را به ستره محکمه بفرستد تا به یک سلسله پرسش ها در این سند از سوی این نهاد حقوقی به بررسی گرفته شود؛ اما تا هنوز مردم از چند و چون حل این دشواری ها بی خبر اند و فهمیده نمی شود که بعد از توشیح این سند چی مصیبت بالای این قانون نازل شده است.

این چندمین مورد است که از توزیع قریب الوقع تذکره های الکترونیکی خبر داده می شود؛ اما از عملی شدن آن خبری در دست نیست و این خبر اخیر توزیع تذکره در شرایطی عنوان می شود که ادارهٔ توزیع تذکره های الکترونیک از اخراج تعدادی از کارمندانش نسبت نبود توانمندی مالی و تادیهٔ معاشات آنها خبر داده است. جامعهٔ جهانی نیز هشدار داده است که در صورت عدم توزیع تذکرهٔ الکترونیکی کمک های خود را به این اداره متوقف خواهد ساخت.

اگر این بار وعدهٔ رئیس اجرایی عملی نگردد، این احتمال وجود دارد که جامعهٔ جهانی کمک های خود را به ادارهٔ توزیع تذکرهٔ الکترونیک توقف و یا کاهش دهد و در آن صورت ادارهٔ تذکره ناگزیر خواهد گردید تا کارمندان خویش را یکسره اخراج نماید و در صورت اخراج کارمندان این اداره، دستگاه توزیع تذکره فلج خواهد گردید. هر قدر پروسهٔ توزیع تذکرهٔ الکترونیک به تاخیر انداخته شود، به همان تناسب پروژهٔ اصلاح نظام انتخاباتی به تیره گی خواهد گرائید و در صورت ناکامی این پروسه جریان انتخابات پارلمانی و ولسوالی ها در آینده با همان دشواری های قبلی خویش باقی خواهد ماند که نتیجهٔ آن به بحران رفتن کشور خواهد بود.

بر گزاری لویه جرگهٔ تعدیل قانون اساسی در ماه میزان سال آینده در گام نخست بستگی به توزیع این تذکره های الکترونیک دارد و این تذکره های جدید افغانستان را از یک سلسله سر درگمی ها در برابر انتخابات کمک خواهد نمود. در نبود این تذکره ها نمی تواند نماینده گان ولسوالی ها در لویه جرگهٔ تعدیل قانون اساسی در سال آینده اشتراک نماید و در آن صورت انسان های دست چین و مطابق به اشاره ارگ در این جرگه شرکت خواهند نمود که نتیجهٔ آن از قبل معلوم خواهد بود. جای دارد که قبل از تدویر لویه جرگه، تذکره های الکترونیک به مردم توزیع گردد و مردم به وسیلهٔ این تذکره ها کسب هویت گردند و در آنصورت است که میزان تقلب کاهش خواهد یافت. و در صورتی که دولت نتواند تا یک سال دیگر به مردم تذکره توزیع نماید عمر حکومت وحدت ملی کوتاه خواهد گردید. توزیع تذکره های الکترونیک بر پروژهٔ اصلاح نظام انتخاباتی روح تازه خواهد بخشید. اگر توزیع تذکره های الکترونیک به کار خود آغاز نکند، اعتماد مردم به کل روند از میان خواهد رفت. اگر گفته های رئیس اجرائیه در مورد توزیع تذکره عملی نگردد و یا این پروسه به تاخیر انداخته شود، اعتماد مردم به حکومت وحدت ملی آسیب فراوان خواهد رسانید.

په هیواد کې د سوداګرۍ د کچې راټیټېدل او بدې پایلې یې

شفیق



تېره ورځ د سوداګرۍ او د صنایعو خونې لخوا په دوه وو کلونو موده کې ترسره شوې سروې له مخې جوته شوه، چې په هیواد کې دننه دغه کچه له یو دیرش سلنې څخه دوه سلنې ته راټیټه شویده.

د سوداګرۍ او صنایعو خونه چې د ۲۰۰۳ میلادي کال راهیسې د دولت له هغه کنټرول څخه آزاده ګرځول شوې ده چې د کمونستانو د واکمنۍ له دورې راهیسې عملاً یو دولتي ارګان ګرځیدلی وو : ځکه د سوداګرۍ وزیر به ددغه خونې رئیس وو، خو د بن د توافقاتو وروسته راغلی نظام کې په هیواد کې د بازار اقتصاد په پلي کیدو سره، دغه ارګان د خصوصي سکتورونو د سوداګرۍ یو تنظیمونکی فعال ارګان ګرځیدلی، چې په سر کې د سوداګرۍ او صنایعو خونې سره جلا وې او اوس له لسو کلونو راهیسې سره یو ځای شوې دي او پدې موده کې هر کال یو ځل دا ډول سروې ترسره کوي، خو د ستونزو لامله د دوه وو کلونو موده کې ترسره شوه او عملاً یې د نوي ګډ حکومت په واکمنۍ کې د یوولسو میاشتو په تیریدو سره د تیرو دریو میاشتو په اړه دغه سروې ترسره کړیده ؛ چې د پنځو مهمو ټکو په اړه پکې له سترو او منځنیو سوداګرو متشبثینو څخه پوښتنې شویدي ؛ چې هغه د امنیت ، ځمکې واک کې ورکولو ، د دولت لخوا مالي ملاتړ لرلو ، د دولتي مامورینو لخوا د همکارۍ او اداري فساد په اړه پوښتنې دي.

د سروې له مخې له ټولو سترو عامل، د متشبثینو لخوا د سوداګرۍ د کچې د ټیټیدو لپاره د امنیت نه شتون ښودلی شویدی؛ ځکه ۵۳ سلنه سوداګرو دغه ټکی جوت کړیدی او همدارنګه ورپسې نور ټکي دي.

حقیقت دادی چې د بازار اقتصاد له مخې چې له خصوصي سکتور سره دولت د یو خلاق رقیب په توګه ونډه اخلي ، خو ولس د خصوصي سکتور د متشبثینو لخوا د انحصاري مارکیټ له بدو آغیزو څخه وساتي. دولت دا دنده هم لري چې د خپلو ملي صنایعو د تثبیت او بازار موندنې لپاره له متشبثینو سره مرسته هم وکړي او ان تردې چې کله کله د هغو بهرنیو وارداتي سوداګري اقلامو د کنټرولولو لپاره د ګمرکي تعرفو وضع کولو مسوولیت هم لري چې ورته اقلام په هیواد کې دننه تولیدیږي ، څو ملي صنایع په پښو ودریږي او که وکولای شي سبسډي هم په ځان ومني. مګر د افغانستان دولت نه دا چې د بریښنا نه شتون لامله د صنایعو وضع خرابه کړیده : بلکې د ځمکو په ورکولو کې یې هم د سوداګرو رضایت ندی ترلاسه کړی ، چې له همدې امله زمونږ ملي سوداګر سوداګرۍ او صنایعو لګولو ته زړه نه ښه کوي. او له بلې خوا ددې سره سره چې په بانکونو کې مو ۷،۳ ملیارده پانګه پرته ده ، یواځې اوه سوه ملیونه یې سوداګرو ته د پور په توګه ورکړل شوي دي ، چې د هغې عمده لامل هم د امنیت نه شتون او د سوداګرو سوداګرۍ او صنعت ته په ډاډه زړه نه رادانګل دي : چې له همدې امله اوس له هیواد څخه غټ سوداګر ورځ تر بلې وځي او خپلې پانګې نورو هیوادونو ته انتقالوي.

د پانګو انتقالولو کچه خو له دوه وو کلونو راهیسې ورځ تر بلې په ډیریدو شوې وه : ځکه په ملي سوداګرو باندې د بریدونو له امله (لکه چې څو میاشتې وړاندې په حبیب ګلزار نومي ستر سوداګر باندې برید ترسره شو) ډیر ملي سوداګر په هیواد کې سوداګرۍ ته زړه نه ښه کوي او ورځ تر بلې په هیواد کې د سوداګرۍ وضع خرابیږي ، چې همدغه حقیقت څو ورځې وړاندې د آیسا نوي رئیس (حقجو) هم په یو مطبوعاتي کنفرانس کې په ګوته کړ او ویې ویل چې دیرش برابره د سوداګرۍ کچه راټیټه شویده او حقیقت کې همدا هغه عامل وو چې دولت څو میاشتې وړاندې په کمو پانګه اچوونکو او دوکاندارانو هم د ټیکس کچه لس برابره زیاته کړیوه : ځکه دولت د خپلو لګښتونو د پوره کولو لپاره عایداتو ته اړتیا لري او چې غټ سوداګر د نه امنیت یا بریښنا او ملي ملاتړ نه شتون لامله له هیواد څخه وځي نو زور یې له کمو پانګه اچوونکو او دوکاندارانو څخه وځي ، چې دا کار په خپل وار سره نور هم اداري فساد ته مخه پرانیزي؛ ځکه یو دوکاندار او شرکت چې پخوا پرې وضع شوی ټیکس نه شي ورکولی . اوس به لس برابره څنګه ورکړي ؟ له همدې امله په هیواد کې د سوداګرۍ او صنایو وضع ورځ تر بلې خرابیږي ، چې د هغې یو ثبوت په هرات او ننګرهار کې د صنعتي پارکونو تش په نامه شتون دی او د بازار د اقتصاد لامله چې هیڅ کله ملي تولید (چې معمولاً نوی اوسي او د تولید کچه یې هم ټیټه وي) نشي کولای د وارداتي اقلامو مخه ونیسي او هیواد په کور دننه د صنایعو په برخه کې په خپلو پښو ودریږي، چې په پایله کې به یې افغانستان د بهرنیو تولیداتو لپاره یوازې د بازار موندنې یو مرکز اوسي او بس.

د ترسره شوې نوې سروې د نتیجې په توګه . له ټولو بده پایله په وروستۍ میاشت کې د افغانۍ د ارزښت راټیټیدل دي ، چې د تیرې چهارشنبې په ورځ یې نږدې یوه روپۍ ښکته کیدل ومونده او د یو ډالر په بدل کې په ۶۲،۲۰ باندې بدله شوه . د نوي ګډ حکومت په راتګ سره انتظار کیده چې ښایي د اقتصاد پوه ولسمشر په راتګ سره به وضع ښه شي ؛ ځکه نوموړی یو ملیون وګړو ته د کار پیدا کولو او اقتصادي اصلاحاتو په نظر کې نیولو سره ولس ته ډاډ ورکړی وو او له همدې امله ورته ولس رایه ورکړه . خو له بده مرغه چې د نوي ګډ حکومت په راتګ سره زمونږ نږدې یو ملیون نور وګړي هم له کار څخه ګوښه کړای شو، ددې پر ځای چې نوي یو ملیون وګړي په کار وګمارل شي.

که په هیواد کې د سوداګرو له هیواد څخه د پانګې ویستلو او کار نه موندلو دغه لړۍ همداسې روانه اوسي او له بلې خوا د امنیت وضع هم ورځ تر بلې د خرابیدو په لور روانه اوسي ؛ ځکه د طالبانو نوي مشر د سولې هڅې هم رد کړې، نو ښایي پاتې سوداګر هم له هیواد څخه ووځي او دولت نور خپل لګښتونه پوره نکړای شي او ښایي ډیر ژر دې ته اړ شي چې د انکشافي بودیجې په عامه بودیجه ګرځولو لاس پورې کړي او د (بخور نمیر) اقتصادي سیاست چې د صنعتي اقتصاد مخالف (سنتي اقتصاد) ځانګړنه ده ، پیل کړي.

نو ځکه دولت ته پکار ده چې په بانکونو کې له موجودو مبالغو څخه سوداګرو ته په پورونو ورکولو او هم مالي ملاتړ ورکولو سره د خصوصي سکتور د متشبثینو د تیښتې مخه ونیسي او هم د مالي فساد په وړاندې . د جدي اقداماتو په ترسره کولو او د مخالفینو سره د سولې په لورې د لازمو هڅو او پدې لړ کې د لازمو اقداماتو په ترسره کولو سره . افغان ولس ته امنیت ور په برخه کړي ؛ ځکه که دولت ولس ته امنیت ورپه برخه نکړای شي . نو بیا دغه دولت له یوې خوا خپل مشروعیت له لاسه ورکوي او له بلې خوا د اقتصادي ودې په وړاندې له ټولو ستر خنډ په زیاتیدو سره د کار موندنې او پانګې اچولو لړۍ هم په ټپه ودریږي . چې بیا به یې مثال د طالبانو له واکمنۍ څخه څو برابره بد اوسي ؛ ځکه طالبانو خو امنیت ټینګ کړی وو او دغه نظام به د امنیت او اقتصادي ثبات دواړو څخه خالي اوسي ؛ ځکه همدا اوس هم د غذایي او نورو اړتیا وړ توکو په بیو کې د افغانۍ د ارزښت د کمیدو لامله ستر بدلون راغلی دی. چې دغه کار به نور ولس د سر تاسري پاڅون په پوله ودروي ؛ ځکه له یوې خوا د ټیکسونو لوړولو د خصوصي سکتورو متشبثین په غوسه کړي دي او له بلې خوا عام وګړي د نرخونو له لوړوالي څخه سرونه ټکوي . نو ځکه اړینه ده چې د ملي حکومت په نامه ګډ حکومت د خپلو هوا خواهانو د پاللو پر ځای . په کار پوه او با دیانته خلک په دندو وګماري ، څو سورۍ کښتۍ تر ساحله ورسوي او پدې ترتیب د فساد مخه ونیسي

مرگ ملامحمد...

مردم افغانستان برای احیای ارزش های دینی، زنده گی مسالمت آمیز و نوع دوستی و عزت کشور شان به جهاد پرداختند. با رفتار طالبان مجاهد نما ها به وضوح دریافتند که چگونه ارزش های دینی و فرهنگی شان مورد سو استفاده قرار می گیرد. و از این ارزش ها ابزار برای مزدوری استفاده به عمل می آید. جنایات بشری، قتل عام ها، تصفیهٔ نژادی، آواره گی ها و خشونت های طالبان و پیروان ملا محمد عمر آنقدر فراوان است که قلم از نوشتن آن شرم دارد. این طالبان بودند که در مصاحبه های خود می گفتند که ما به گروه های کمتر از هزار نفر، گور دسته جمعی نمی گویم. همان عبارت فلم ساز مشهور که روزی در مورد بت بامیان گفته بود (بودا از شرم فرو ریخت)، در مورد ملامحمد عمر و طرفدارانش صادق می باشد. مردم این کشور به خوبی حرمت مرده گان را می دانند، حتا حرمت دشمنان خود را نیز برای خود محفوظ می دارند. اما کمتر مردم افغانستان به جز حلقات معین که در قدرت سیاسی شریک اند، مردان و زنان، جوانان، نخبگان سیاسی و دیگران مرگ ملامحمد عمر را فال نیک برای صلح و آشتی در کشور و آینده خود می دانند.

بعد از مرگ ملا محمد عمر در صفوف و رهبری طالبان یکنوع پراگنده گی به وجود آمده است. باورها بر این است، این گروه به سه دستهٔ مشخص تقسیم خواهند گردید. گروهی که آتش خونریزی آنها تا هنوز فروکش نکرده است به داعش خواهند پیوست. گروه دیگر به احتمال قوی و از پیروان نزدیک ملامحمد عمر و سایر جنگ طالبان آتش جنگ را در کشور گرم خواهند نگهداشت و گروهی دیگر به احتمال قوی باب مذاکره را به دولت کابل خواهند گشود. با این وجود افغانستان آبستن بحران جدید خواهد گردید و با چالش های جدید و جدی متوجه امنیت و منافع افغانستان خواهد شد. جای دارد که رهبری دولت برای نجات افغانستان از این بحران پیش آمده استفاده نماید.

چاپ کتاب بررسی فرایند نوستالژی...

اما دریغا وقتی که آن کتاب به چاپ رسید، استاد در میان ما نبود تا مشاهده می کرد، آن بی توجهی و سهل انگاری، جبیره شده است.!!

اما رابطه با افکار، آثار و نوشته های استاد ادامه یافت، در هر شمارهٔ "میثاق خون" سروده ها یا داستانی از داستان های کوتاه استاد را به نشر می رساندیم و در دهلی هم که هفته نامهٔ میزان به توجهٔ آقای مسعود خلیلی سفیر افغانستان در هندوستان، بنیان نهاده شد، آن هفته نامه را نیز، به همکاری آقای انجنیر عبدالرحیم احمد پروانی، با درج آثاری از استاد آذین می بستیم. همچنان گزیدهٔ سروده های استاد را به مناسبت دهمین سال خموشی شمع عمر او در دهلی به چاپ رساندم و به اثر توجهٔ فرزند رشید و دانشمند استاد، آقای مسعود خلیلی رسالهٔ "یمگان" را با حواشی و تعلیقات دکتور عنایت الله شهرانی، به مناسبت یکی از کنفرانس های بین المللی انجمن سراسری استادان زبان فارسی در هند، به نشر رساندیم و قصد داشتیم "عصر غزنویان" اثر مهم استاد را به فارسی و انگلیسی به چاپ برسانیم؛ اما وقت یاری نکرد و رویداد های بعدی، آن کار ها را به تعویق انداخت؛ اما در همان دوران رسالهٔ زیبا و پر محتوایی را از دوست دیرینم آقای عبدالقیوم ملکزاد به نام "همناله با استاد در کوی غربت" در دهلی جدید از طرف بخش فرهنگی سفارت به نشر رساندیم و اینک که بیست و هشتمین سالگرد وفات استاد خلیلی نزدیک می گردید به مقالات پژوهشی و دردمندانهٔ آقای ملکزاد تحت عنوان "بررسی فرایند نوستالژی در سروده های استاد خلیلی" برخوردم که به گونهٔ مسلسل در هفته نامهٔ "مجاهد" در کابل به نشر می رسد؛ با آقای ملکزاد تماس گرفتم و خواهش کردم در صورتی که نوشتهٔ شان تکمیل شده باشد، آن را برایم بفرستد تا در قاهره جایی که استاد به آن عشق می ورزید و " نیل" آن را توصیف کرده است، به نشر برسد. ملکزاد صاحب به خواهش من لبیک گفت و نوشته اش را فرستاد که اینک افتخار دارم آن را به مناسبت بیست و هشتمین سالگرد خموشی شمع عمر آن ادیب فرزانه، به علاقمندان و دوستدارانش در سرزمین مصر به خوانندگان ارمغان می کنم و آرزومندم این نوشته مورد استفادهٔ محصلان عزیز و جوانان مصری که به ادبیات جدید افغانستان علاقه دارند، قرار گیرد. روان قافله سالار ادبیات معاصر افغانستان، استاد خلیل الله خلیلی شاد و بهشت برین جایگاه او باد! "

***

"مجاهد" چاپ کتاب "بررسی فرایند نوستالژی در شعر استاد خلیل الله خلیلی" را به آقای فضل الرحمن فاضل سفیر کبیر افغانستان در قاهر و همکاران شان و برای نویسندهٔ توانای این اثر، آقای عبدالقیوم ملکزاد مبارک باد می گوید.

هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

● آرا و اندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا و مواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا
از عالی ترین آرزوهای ماست.

دور ششم –سال چهاردهم – شمارهٔ نزدهم ۱۷ اسد ۱۳۹۴ ۲۷ شوال المکرم ۱۴۳۶ 8 August 2015

افغانان او فلسطینیان

دوه مظلوم ولسونه او بې رحمه مدعيان يې!



فلسطين



* ویران کردن منازل مسکونی مهاجرین افغان در پاکستان

رفیق بحر

افغانستان او فلسطين دوه هغه هيوادونه. او ولسونه يې هغه مظلوم ولسونه دي چې څو لسيزې د خپلو بې رحمه مخالفينو او مدعيانو د ظلمونو په بټېو کې سوځي؛ د فلسطين د ولس حق، چې د اسرائيلو د غاصب هيواد لخوا تروړل شويدی، په آغاز کې انګلستان، بيا فرانسې او روسيې هيوادونو د يهودي هيواد ملاتړ کاوه او دا مهال امريکا ددغه ولس د خپلواکۍ د حق تروړلو تر شا ولاړ زبر ځواک دی.

ورته حالت د افغانستان هم دی: په اوه لسمه او اتلسمه پيړۍ کې چې کله پراخه اسلامي امت د قوم پرستۍ په سمندر لاهو کيدل پيل شو نو افغانستان د اسلامي امت د ګډ وجود څخه د انزوا لامله د انګليسي ښکيلاک د زور آزموينې ډګر وګرځيده او وروسته د افغان ـ انګليس دريو پرله پسې جګړو افغانستان دې ته اړ کړ چې د تزاري روسيې او انګليسي ښکيلاک د ښکر جنګۍ ډګر وګرځي؛ چې افغانانو وروسته د انګليسي ښکيلاک هيله په نا هيلۍ بدله کړه خو قطبي ګاونډي هم پرې د رښتوني دوستۍ د لورينې پر ځای د غلام پالنې نسخه و آزمايله او هماغه وو چې د شلمې پيړۍ په وروستۍ څلورمه کې روسانو د افغانانو سره د دوستۍ مزې د دښمنۍ په مزو بدل کړل. چې دغه کار د انګليسانو وارثې امريکا ته پلمه برابره کړه او د افغان ولس د سپيڅلي جهاد تر شايې مغرضانه مرستې ته راودانګل. افغانانو، امريکا د پخوانې شوروي اتحاد د پراختيا او غځيدنې له ګواښ څخه خلاصه کړه او پدې لړ کې د هندوستان او پاکستان دوه وو نوو جلا شوو هيوادونو د مسابقې نوی پړاو پيل شو؛ پاکستان کولای شو چې د جهاد د برياليتوب وروسته د پاک ـ افغان رښتونې دوستۍ له لياري خپل رقيب هندوستان راڅملوي خو داسې پلانونه او نقشې يې جوړې کړې چې د افغانانو ګټلې زړونه يې بيرته وبايلل او د افغان جهاد له برکته لاسته راوړلي اتومي ځواک په څير يې، په ويجاړ شوي خپل ګاونډي هيواد (افغانستان) د استراتيژيک عمق لاسته راوړلو لپاره د غلام ګرځونې نسخې تطبيقول پيل کړل، چې بريالیتوب ته رسيدلي مجاهدين يې د خپلو شومو اهدافو لاسته راوړلو لپاره لومړی د اختلاف او بيا د کورنيو جګړو په پوله ودرول او وريسې د مجاهدينو د ځپلو لپاره د امريکا په اشاره يې د هيواد يوه داسې طبقه وکاروله چې لامله يې نن د افغان ولس په وړاندې د کرکې ديوالونه ډير هسک شوي دي. او افغانان يې دېته اړ کړل چې د امريکا او لسګونو نورو لويديځې نړۍ هيوادونو د پوځونو غوبل په خپله خاوره ومنې. څو ځانونه د هغه بې رحمه ګاونډي له برلاسۍ څخه خلاص کړي. چې لا تر اوسه يې د وياړونو ځلې زمونږ د هيواد په ميړونو لکه ابدالي، غوري او ... ياديږي.

د همدغه نږدې څلورو لسيزو جګړو لامله زمونږ د هيوادوالو څخه تر اوسه هم. پنځه مليونه وګړي په پاکستان او ايران کې مهاجر دي، چې د مهاجرت په اوږده تاريخ کې دواړو په مهاجرو افغانانو د ظلم ميچنې وګرځولې؛ ايرانيانو په مخدره موادو کې د ککړتيا په پلمه د افغانانو جنازې افغانستان ته راوليږلې او ترڅو چې د سعودي عربستان د نفوذ د مخنيوي په منظور يې، په سلګونو افغانان د سوريې او عراق جګړې ته هم وليږدول او پاکستان بيا د هرې نا امنۍ د پيښې په پايله کې، چې په پاکستان کې ترسره شوې ده، زور د افغان مهاجرينو څخه ويستی دی؛ تير کال د دسمبر په مياشت کې د پېښور په يو پوځي ښوونځي ترسره شوی بريد د افغاني مهاجرينو لپاره د قيامت ورځ وګرځيدله او لامله يې څو مياشتې د مهاجرينو د ځورولو، نيولو او تر زرګونو کورنيو په نا ببره توګه او په زور سره افغانستان ته راليږل پيل شول او په پاکستان کې دننه يې هره ورځ هرې تاڼې ته د يوې ځانګړې شميرې افغانانو د نيولو ماموريت وسپاره. چې لامله يې تر اوسه هم زندانونه او تاڼې د افغانانو څخه ډکې دي او هره ورځ ګڼ شمير مهاجرين خپل هيواد ته راستنيږي.

خو تيره اونۍ د راولپنډۍ او اسلام آباد سيمو کې په کچه آباديو کې ميشتو مهاجرينو باندې يې يو ځل بيا قيامت جوړ کړ؛ پرته لدې چې ورته له مخکې څخه خبر ورکړای شي، کورونه يې ورته ويجاړ کړل او له خپلو کورونو يې وشړل، چې ځينې ووهلی شول او ناروغان يې د ناروغۍ په حالت کې راوشړل او بې عزته يې کړل. ددغه بد چلند يو کريډت که د اشرف غني او عبدالله عبدالله حکومتونو ته راګرځي؛ چې له يوې خوا پاکستان سره د سولې د هڅو کاميابولو په منظور يې، په افغانانو باندې د فشار راوړلو پټه موافقه کړې ده، نو له بلې خوا هغه ولسمشر ته هم راګرځي چې د واکمنۍ په څوارلس کلنه دوره کې يې دا زمينه برابره نکړای شوه چې افغانان په عزت سره خپل هيواد ته راستانه شي. د افغانانو د بد حالت په څير د فلسطين ولس هم د اسرائيلو د مظالمو ښکار دی، چې تير کال په غزه باندې د اسرائيلو د يرغل په پايله کې يې دوه زره يوسل او پنځه نوي بې ګناه فلسطينيان ووژل شول او هيواد يې په کنډواله بدل شو او تيره اونۍ د تير په څير يو ځل بيا غاصبو يهودانو د يوې کورنۍ غړيو ته په خپل کور کې اور واچاوه او يو معصوم کوچنی يې ژوندی وسوځولو او درې تنه نور يې سخت ټپيان کړل. دا يواځينۍ پيښه نده؛ بلکې هره ورځ د فلسطيني مسلمان ولس پر خلاف اسرائيل او د افغان ځوريدلي ولس پر خلاف پاکستان ورته مظالم ترسره کوي. مګر د بشر حقونو نړيوالې ادارې، دلته کڼې او ړندې دي.

او همدارنګه د نړيوال پوليس کردار ترسره کوونکې امريکا هم ګونګه ده؛ ځکه د افغان، فلسطيني او هر هغه مسلمان وينه دوې ته دومره ارزانه ده چې په توئيدلو سره يې يوازې د بخښنې په غوښتلو ځان مکلف ګڼي او هم د ملګرو ملتونو تر سيورې لاندې د مهاجرت نړيوال سازمان (IOM) هم لاس تر زنې ناست دی او پدې اړه ځان مکلف نه ګڼي چې د افغانانو خپل هيواد ته راستنيدل د درې اړخيزه تړون له مخې بايد په رضا کارانه ډول ترسره شي، نه په اجباري توګه.

همدارنګه د بشر د حقونو نړيوال سازمان مسووليت که د يو اردني پيلوټ ژوندي سوځولو ظلم بيانول وو، چې عملاً پيلوټ وو (خو بيا هم د ا ډول وژنه هر مسلمان ناسمه ګڼي) نو آيا د يوې کورنۍ په خپل کور کې سوځول چې پکې معصوم کوچنيان هم شامل اوسي، د بشر د حقونو د پښو لاندې کول او د يو ولس د عام وژنې معنا نه ورکوي؟!!

■ هارون

مرگ ملامحمد عمر
پایان تراژیدی در افغانستان نیست!

برگزاری مراسم خاک سپاری و مرگ با عزت از آخرین خواسته های یک فرد مسلمان است، تشییع جنازه قبر و تدفین شرعی از زمرهٔ نعمت های خداوند بر یک مسلمان است. در افغانستان مردم شاید به کمتر چیزی به اندازهٔ مردگان خود احترام بگذارند، حتا ضرب المثلی وجود دارد که (ما زندهٔ خوب و مردهٔ بد نداریم). غیبت و بدگویی از کسی که مرده است از عادت نا پسند و زشت محسوب می شود، حتا در مورد آنچه گفته می شود، واقعیت داشته باشد، نیز مردود است. رهبران یک جامعه از این قاعده مستثنی نیستند، بسیاری از رهبران از اقبال خوب در مراسم خاک سپاری و عزاداری بر خورد دار می گردند و تعدادی با نفرت و انزجار مواجه می گردند. شاید بتوان میزان محبوبیت یک رهبر را از نوع برگزاری در خاکسپاری و عزاداری آن تخمین زد.

تعدادی از رهبران در کشورهای دور و نزدیک ما، بعد از مرگ به چنین احترام مواجه گردیده اند؛ مانند: گاندی در هند، خمینی در ایران، استاد ربانی و مسعود در افغانستان، جمال عبدالناصر در مصر و دیگران که انسان می تواند میزان محبوبیت آنها را بعد از مرگ شان مشاهده نماید. ملامحمد عمر که خود را رهبر و امیرالمومنین



مسلمانان جهان می دانست، مرگ آن با یک خفت و ذلت همراه بوده است. مرگ وی ثابت ساخت که زنده و مردهٔ آن در استخبارات منطقه قرار داشته است.

مرگ وی پرسش های زیادی را به وجود آورده است، که وی چگونه و به چی دلیل، توسط چی کسی و در چی شرایطی مرده است؟ آیا برایش خاکسپاری آبرومندانه برگزار شده؟ حتا این که او به خاک سپرده شده و یا خیر؟ تا هنوز مسلم نشده است. مرگ وی مانند حیاتش، مرموز و در اهالهٔ از ابهام قرار گرفته است. اعلام مرگش به وسیلهٔ استخبارات منطقه بعد از دو سال کمتر کسی را غمگین ساخت، بسیاری را به یاد غم های فرا خواند که وی مسبب اش بوده است. کسی مرگش را به مردمش تسلیت نگفت؛ زیرا او مردم نداشت فقط او با چماق به دستان زنده گی می کرد و زنده گی را فقط خون و آتش و قتل و غارت و بی وطنی می دانست، او مظهر خون و آتش، ذلت و سر افگنده گی تاریخ نوین کشور ما است.

ملامحمد عمر تقلب بزرگ و خرافهٔ بزرگ سرزمین ما است. مردم می خواستند تا او زنده بماند، تا مانند اسلافش؛ چون: تره کی، امین و دیگران روزی به نتیجهٔ اعمالش برسد و طمع تلخ شنکجه، ظلم و تجاوزی را که بر دیگران روا داشته بود، بچشد. ملامحمد عمر یک خرافهٔ تاریخ بود و جامعهٔ خرافه زدهٔ افغانستان بر دورغ بزرگ او باور کردند و او را امیرالمومنین خواندند. او یک دروغ بزرگ بود و دست تمام افسانه گویان و خرافه پرستان تاریخ را از پشت بست. اکنون میراث ملامحمد عمر نفاق و اختلاف در میان پیروانش خواهد بود.

ص۷